

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

بها - ۲۰ ریال

دوشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۵۸

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

تردیدی نیست که شاه خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواستهای ضدامپریالیستی توده‌های مردم است

بمناسبت ۲۱ آذر:

گرامی باد خاطرۀ قیام پرشکوه خلق آذربایجان یاشاسین بیزیم ترک خلغمین!

شکوه خلقی ستمدیده است که در یکی از حاسـ
ترین دوران های تاریخ ماضیه ای سخت
سفته در صفحه ۲

با فرارسیدن ۲۱ آذر ۲۳ سال از
سقوط حکومت دموکراتیک آذربایجان میگذرد.
در همین حال این روزها دور خاطرۀ قیام



- وظیفه کارگران در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟
- مبارزه برای رسمی شدن ادامه خواهد یافت یک گام ازده گام!
- قطع دست کارگر، در جامعه سرمایه - داری ...
- انتظامات، حفاظت کمیته مستقر در کارخانه منحل باید گردد!
- خانه کارگر سندج آزاد شد
- گزارشی کوتاه از اخراج کارگران آگاه کارخانه استارلایت
- کارگران مابین سازی اهواز مدیر ضد کارگر پروژه‌های مابین سازی را محاکمه و اخراج کردند
- پیروزی کارکنان شرکت‌های حفاری

دانشجو، محصل،
پیوند بازحمتکش،
پیوند بازحمتکش

بیاد ۱۶ آذر روز آذر نشان دانشجو

مراسم پرشکوه روز دانشجو چگونه برگزار رند

صفحه ۱۱

هرچه گسترده تر باد جنبش های حق طلبانه دهقانان علیه ملاکین!
پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک کارگران، دهقانان و سایر
زحمتکشان!

مبارزه علیه مالکین بزرگ از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

صفحه ۷

اول زانویه (دهم دیماه) مصادف است با تولد انقلاب فلسطین یعنی عید خلق فلسطین!



رفقا، هواداران،
نیروهای انقلابی
بکوشیم تا مراسم
این روز را هرچه
باشکوه تر برگزار کنیم!

- جنبش ملی در صفحه ۶
- جنبش دهقانی در صفحه ۷
- حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان در صفحه ۵
- فرماندوم قانون اساسی "خبرگان" (۲) در صفحه ۱۰

توطئه جدید "امل"
علیه مردم فلسطین و لبنان
و نقش آقای چمران
و طباطبائی

صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ به مناسبت ...

بیتزارتاج و امیرالسم فرود آورد. حماسه بزرگوار این قیام دلاورانه و دولت دموکراتیک آذربایجان که از دل نیا مسلحانه، خلق آذر - ایجان خوشدردان سالهای ساد که امیرا - لستهای انگلیسی و آمریکائی اسیران را جولانگاه دهنگاری های خود کرده بودند. جرایع فروران دردل کلمه خلیفای ستمیده و رنجده ایران بوجود آورد. در طول مدت یکسانی که حکومت دموکراتیک آذربایجان ب قدرت رسید و خلق آذربایجان بر سر بنویس خوس ملطتند و حدسا سالهای سر آزان همکا مکه اس آنتس سوران به سرخا کتر سرکوب و دیکتاتور رفعت لب نما مخلصهای رنج دیده و ستمکنان ایران در سیر و فریمان در آنجائی که ترجم استلال خلق بدست توانای بوده هار افرانند مشند می نیند. ولی افسوس که دستا وردهای آن قسام قهر - مانا نه بخا طرفت طلئی و سازگارای رهبران آن به کجراه قسا دودر آخرب سیدسا امیرا لستها و مرخمین و در را س آن در بار خاش بپهلوسوی تا بود و بوقت خاطرهای آران همه دلاوری و خالصانی نائی ماند. بگذارا امیرا لستها و مرخمین سراجا شهیدای خلق قهقهه سردهند. بگذارا جلادان خلق سید: آزادخواهانان را سکا قسد. بگذارا فرصت طلبان و سازگارای سر اجساد شهیدای خلق اگ نماح بر سرند. خلقی که تمام مسلحانه سر بر سر ادرسالهای تکست نهضت متروپت آفرید. خلقی که حکومت دمو - کراتیک آذربایجان را در سالهای ۲۵ - ۲۴ سر قدرت ساند و بالاخره خلقی که قسام قهرمانانه ۲۹ بهمن ۵۶ را آفرید همچنان زنده است و برای استقرار ایرانی مستقل و آزاد، دموکرا - تیک و خلقی می ریزد. امروز خلق آذربایجان و خلق کرد و سایر خلقهای ایران زمانی خاطره قسام بزرگوار سالهای ۲۵ - ۲۴ را کرامی می - دارند که خلقهای سراسر ایران علیه امیرالسم جنابکارا آمریکا و عمال آن می رزمند. امروز سوز و زاری خلق کرد در سر آموری آزان سالهای بزرگوارا هست می ساد که ساد هدایم که ارتجاع نکار در کمری کوند سا غله های ررم خلق را در کردستان فرو ساند. سورا های خلق را سار دیکر میبدم سار دوسا کمک سازگارای و فرصت - طلبان نکار دیکر حاصل خون هزاران شهیدراه خلق را به سستی کساند.

زنده سا د خلق آذربایجان . خلق کسردو همه خلقهای ایران !

سالهای ۲۲ - ۲۰ دوران رنجده نیش بوده - ای در سراسر ایران بود. قدرت باقتن آلمان هیلبری و ونوع جنگ های امیرالستسیتی در فاصله، جنگ جهانی دوم مانع آزان بود که امیرا لستها بتوانند با حمل راحت بغارت خود در کشورهای وابسته ادا مدهند. اس - صفت و ساسوای موقعیتی سنا رمناسبت بود برای زحمتکنان ایران که یکدوره سرکوب و جفان ۲۰ ساله را بخت بزرگوارا دیده بودند. اس سالها فرصتی مناسب برای شکل گیری نهضت های

آزادبخت بود. زحمتکنان گروه گروه در آنجا - ده ها، حزب، سازمانهای توده ای و سیاسی خود متشکل میشدند و برای احقاق حقوق صغی و سیاسی به سیردهای ملی - طبقاتی روی می - آوردند. در عین حال ارتجاع نیز که ضربات خانکاهی خورده و متشکل خود را از دست داده بود می کوشید تا سرعت نیروهای خود را جمع آوری کرده و در تیردی قطعی زحمتکنان را سرکوب نموده و آزادی بدست آمده را از چنگ آستان سیرون بکشند.

۱۴۰ ربال خوریده و تمام مایه مرکز حمل کردند. در قتل زستان. شهر تبریز به ماجا عذر (قحطی) گرفتار و بی آذوقه ماند. ساجا غله گندیده و از چند سال مانده کمرگان را که تمام متعلق به املاک اختصاصی (رضاشاه) بود از راه آستان راه تبریز حمل و از قراقرخواری ۶۰۰ ربال بخورد مردم بیچاره دادند. و چون نان این گندم - های فاسد خوردنی نبود در عین حال گران و کمیاب و بیبیدائی شد. هزاران فقیر و بیبخت، مریض و با از گرسنگی قربانی اغراض آفسای

بگذارا امیرا لستها و مرخمین سراجا شهیدای خلق قهقهه سردهند. بگذارا جلادان خلق سینه آزادخواهان را بشکافند، بگذارا فرصت طلبان و سازگارای بر اجساد شهیدای خلق اشک تصاح بریزند، خلقی که قسام ضلحانه تبریز را در سالهای شکست نهضت شروپیت آفرید، خلقی که حکومت دموکراتیک آذربایجان را در سالهای ۲۴ - ۲۵ بر قدرت نشاند و بالاخره خلقی که قسام قهرمانانه ۲۹ بهمن ۵۶ را آفرید همچنان زنده است و برای استقرار ایرانی آزاد، دموکراتیک و خلقی می ریزد !

نهضت دموکراتیک در آذربایجان و کرد - ستان بخا طرفت طلئی مبارزان آزادخواهان و صدا میرا بستنی شرایط بسیار مناسب تری داشت. فقر و تنگدستی در میان زحمتکنان که اکثریت آنها را دهقانان رنج دیده تشکیل می دادند، بطور حیرت آوری بیداد می کرد. ارزاق عمومی بخا طرفتکارا سودجویان بشدت کمیاب شده بود. بلاهای ناشی از جنگ بشدت بر دوش زحمتکنان سنگینی میکرد. امیرا لستهای انگلیسی و آمریکائی در اکثر نقاط ایران به غارت و جبا و خلق مشغول بودند. در عین حال وجود ارتش سرخ در شمال کشور مانع آزان میشد تا این غارت و جبا و بیهمه راه آن سرکوب خلق توسط امیرا لستها به آذربایجان راه پیدا کند. همه اس عوامل شرایط مناسب برای شکل - گیری یک جنبش انقلابی برای سرنگونی امیر - سالستهای انگلیسی و آمریکائی و عمال جنایت - کار آنها یعنی دربار و سلطنت پهلوی فراهم می آورد.

ارتجاع سراز موقعیت ویژه آذربایجان مطلع بود و سراز راهج کوششی برای سرکوبی خلق در آنجا فرو کردار می کرد. فهمی استان - دار آذربایجان (در سال ۱۳۱۹) از یکسو برای ایجاد تفرقه در میان کارگران اتحادیه های قلاسی بوجود می آورد و از سوی دیگر از هنران و چاقوکنان را مسلح می ساخت تا مسلحانه به دهات بیورش برده و با غارت و قتل و کشتار آستان دهقانان را متکوب سازد.

آری ارتجاع که پس از شکست انقلاب شروپیت مجدداً سر آری که قدرت شکسته زده نیوداز آذربایجان قهرمان به خشن ترین شکلی انتقام میکرفت. ستم ملی و طبقاتی بنیاد میکرد. نقل نمونه زیر، عظمت فاجعه را نشان میدهد:

"در تابستان ۱۳۱۹ غله آذربایجان را که خرواری ۳۵۰ الی ۴۰۰ ربال در محل قیامت داشت (آقای مستوفی (استادار) بدون اینکه به احتیاجات مردم تبریز اعتنائی نموده و با نه تدکرات آنها دایره تا مین آذوقه شهر ترتیب اثر ندهد بر سر بریده از قراقرخواری

در زمینه ستم ملی آنهم در مورد زسان ترکی که زبان مادری خلق ترک در آذربایجان است کافی است به این نمونه اشاره کنیم: در همان سالهای پیش از قیام آذربایجان و در کنار چنان استانداری، یک رئیس فرهنگ هم وجود داشت بنام محسنی. او میگفت: "هر کس ترکی حرف میزند، افسا رالاج بسرا و بزیندو او را به آخور ببیند!" در بر توجین سیاست ضد خلقی ای بود که هرگونه نشریه ای را که به زبان ترکی آذربایجانی نوشته میشد تفسیف میکردند. سادیده گرفتن حقوق ملی خلق آذر - با بجان و شونیم فارس به جاشی رسیده بودک نویسندگان فارس را نیز فاسد ساخته بود. شخصی مانند ملک الشعراء بهار نیز در توجیه سیاست رژیم حاکم و بحکم ماهیت طبقاتی خود زبان ترکی آذربایجانی را یکی از لهجه های زبان فارسی قلمداد میکرد! و آذربایجان را از امراری که برای تکلم به زبان مادری خود دارند، مورد سرزنش قرار می داد!

ارتجاع به اینگونه جنایات بسنده نمی - کرد بلکه برای ایجاد تفرقه بین صفوف کارگران اتحادیه های قلابی می ساخت و به فئودالها اسلحه میداد تا دهقانان را غارت و سرکوب کنند (۲) اینها نمونه های کوچکی بود از ستم چند جانبه ای که به مردم آذربایجان روا داشته می - شد و زمینه را برای جنبش دموکراتیک آذربایجان فراهم ساخت.

از سوی دیگر آزادخواهان نیز سراسر ای سرازه مشترک گرد می آمدند و در تشکیلات صغی

بقیه در صفحه ۱۲

همه قرارداد های اسارت آورا امیرا لستسیتی باید لغو گردد!

جنبش کارگری



گزارشی از اخراج کارگران آگاه کارخانه استارلایت

چرا کارفرمایان و سرمایه داران ارکان کارگران آگاه و حجت دارند، و در هر فرصتی وسایع آنها را با حنکی آنها را اخراج میکنند؟ سرمایه داران دستان سودبیشتر است، برای اینکه هر قدر سود کارگران را استیلا میکنند، در مقابل کارگران آگاه، آنها که بتوانند میگویند آگاهی دستان کارگران را بالا برده و آنها را به حقوقشان آشنا سازند. هر قدر آگاهی کارگران بالا رود و بیشتر حقوقشان آشنا شود کم تر سرمایه داران می توانند سود کنند. و این درست مخالف آنست که سرمایه داران میخواهند، از بی خبری و نادانی کارگران، حال اگر کارگران بکجا رجه و هوسا رسند، کارفرمایان شکست خورده و افسانه میشود، اما اگر آگاه و براهین رسند، کارفرمایان بطور موقت میسر، میشود. اخراج ۲۶ نفر از کارگران مازر کارخانه استارلایت که گزارش آنرا در زیر میخواند یکی از هزاران نمونه است که در رابطه با تنگنا سال هر روز در گوشه و کنار میهمان اتفاق می افتد.

کارفرمایان این کارخانه را زنده میمانند بیستی عده ای از کارگران مازر نشان کرده و با کمک سرپرستها و کارکنانی لیستی ۲۵ نفره از آنها تهیه می نمایند، تا در فرصتی مناسب آنها را اخراج کنند. اینست که عمیت دینفرمان کارگران را آنها کرده و آنها را اخراج میکنند. بدستال این کارخان به رورچه رتبه ۵۸/۸/۲۳، ۲۴ نفر از کارگران به طرفداری و حمایت از کارگران اخراجی دست از کار کشیده و مقابل دفتر مدیریت متحصن می شوند در این هنگام عده ای از کارکنان که اغلب آنها سرپرستها و مزدوران کارفرمایان بودند با تحریک کردن عده ای از کارگران نا آگاه به کارگران متحصن حمله میکنند و با هل دادن و فحشهای رنگ آنها را از سالن بیرون می اندازند. و بدین ترتیب ۲۶ کارگر آگاه از کارخانه اخراج می شوند. کارگران اخراجی از همان روز اول برای برکنار شدن سرکارها اقدامات مختلفی دست میزنند آنها به کارخانه های مختلف مانند (تجزیرین - ساکا - نسکوا - رعیدی و...) رفته و جریان اخراجیان و علت آنرا برای کارگران شرح میدهند کارگران این کارخانه ها اظهار میدارند که هر کاری بتوانند برای آنها انجام میدهند. کارفرمایان برای اینکه کارگران آگاه و اخراجی را از دست کارگران جدا نگه دارند دستور میدهند که آنها را به کارخانه راه ندهند و سوسو بسا نیر آنها را سوار نکنند.

کارگران اخراجی برای آنکه صدایشان را به گوش دستان کارگران برسانند، دست به انتشار اعلامیه میزنند که در قسمتی از اعلامیه شماره ۱ آنها میخواند:

"دوستان کارگر... ما کارگران را با بداهم متحد میسیم، چون در دمان یکیتیم، چون با هم رحمت نمیکسیم و با هم استیلا میزنیم... چنانرا"

پس ما سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - حوزه سندج خوانده شد. جمعیت طرف خانه کارگر حرکت کرد. بعضی از شعارها می که آنها در طول راه می دادند، عبارت بود از: "خانه کارگر سرگرز حمتکنان آزادی بگردد" "تنه ساریگی زرگای، سوسا لیزمی کریکری" (تنه ساریگی، سوسا لیزم کارگری) و... در مقابل خانه کارگر ابتدا کارگران روی زمین نشستند و نمایندگان آنها آرم خانه کارگر را بالای در آن نصب کردند و پس از سه ماه دوباره خانه کارگر را از جنگ با ساداران سرمایه دار واردند. آنگاه به تنه ساری پیروزی، سرود اتحاد، اتحاد بطور دسته جمعی خوانده شد.

چاره ربحرمان
وحدت و تشکیلات است

خانه کارگر سندج آزاد شد

خلق کرد با دلاوریها و جانبازیها می که در طی سه ماه هجوم نظامی دولت مداخله انقلابی بسوی کردستان از خود نشان داد و توانست سنگرها را از دست رفته، خود را یکی پس از دیگری پس بگیرد. یکی از این سنگرها خانه کارگر سندج بود که پس از حمله به کردستان توسط ساداران بنفع مستمعین!! ضبط شده بود. رورچه رتبه ۵۸/۸/۲۳ بدعوت کارگران بیشتر عده زیادی از کارگران و مردم سندج در میدان آزادی این شهر گرد آمدند. در این گرد همایی ابتدا پیام کارگران کارخانه بوناک سندج قرائت شد، سپس پیام دانش آموزان و دانشجویان بیستگام خوانده شد. آنگاه

وظیفه کارگران در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟

مدیریت کارخانه نظارت و کنترل شدیداً شده است. نورا با سدیکای واقعی کارخانه و طبقه کارگران در برابر مدیریت و کنترل خود مدیریت کارخانه (و نه شرکت در آن) اهداف، برنامه ها و عملکردهای مدکارگری دولت و سرمایه داران را توصیف را برای کارگران افشا کند، با کارگران از انجام آن جلوگیری عمل آورد. شرکت در مدیریت کارخانه، نورا با سدیکای واقعی را از کارگران جدا کرده، در مقابل آنان قرار میدهد. از آنجا که قدرت نورا و باسدیکای واقعی فقط و فقط در نیروی متحد و پیوسته کارگران متوقف است، لذا نورا و باسدیکای واقعی با سدیفقط و فقط بر این نیرو متکی کرده، از شرکت در مدیریت کارخانه بپرهیزد. شرکت در مدیریت کارخانه باعث نقای در میان کارگران، رور و روبرو زار کردن نورا با سدیکای کارگران و از دست دادن باسکا دکاگری آن میشود. شرکت نورا با سدیکای واقعی در مدیریت کارخانه، موجب مسودگی نورا با سدیکای دست کارفرمایان، عملاً در خدمت کارفرمایان و دولت می شود. کارگری فراری میگرد. نورا با سدیکای واقعی کارگران، خارج از کارخانه و طبقه دارد. نورا با سدیکای واقعی کارخانه های دیگر تعارض برقرار کرده، در جهت افزودن به نیروی متحد کارگران کوشش نماید. کارگران برای کم کردن دست استیلا، جواهران نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میبایستند.

در رابطه با مسئله فوق که اکنون به اشکال گوناگون و در کارخانه های مختلف مطرح میباید اعلامیه ای در تاریخ ۵۸/۹/۵ از طرف سازمان منتشر شده است. در این اعلامیه ضمن اشاره به اوضاع نابسامان اقتصادی کشور و استثمار کاری که بویژه بر دوش طبقه کارگر سنگینی میکند، آمده است: "... در چنین شرایطی وظیفه نورا (مردان ما از شورای واقعی، نه شوراهای انقلابی) نسبتی، بلکه از نظر روابط و مضمون همان سدیکای واقعی - سرخ - می باشد - باسدیکای واقعی کارگران چیست؟ وظیفه نورا با سدیکای واقعی کارگران عبارت است از تشدید نظارت و کنترل خود بر مدیریت کارخانه. وظیفه مدیریت کارخانه تشدید استثمار هر چه بیشتر کارگران است. مدیران همیشه در پی یافتن شیوه های جدید تر برای کسب سود بیشتر هستند. در این مرحله از انقلاب، کارگران نمی توانند مدیریت کارخانه را کاملاً بدست بگیرند و از طرفی شرکت در آن بمعنی فرار گرفتن در کنار کارفرمایان است. اما کارگران می توانند و بایستند با نظارت و کنترل مدیریت کارخانه در جهت هرجه محدود تر کردن استثمار کام بردارند. از آنجایی که نورا با سدیکای واقعی کارگران، نماینده کارگران می باشد، وظیفه - اش شرکت در مدیریت کارخانه نبوده، بلکه برای تامین منافع کارگران، وظیفه دارد بر

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

با بدفریب دروغهای کارفرما و عواملس را بخوریم. از طرفی شما گفتند که اگر به ما ناهار نمیدهند علتش اینست که کارگران را نمیستند، و بیست سرما بدروغ شما گفتند که ما میخواهیم کارخانه را تعطیل کنیم شما بیکار شوید. دروغ از این ناهار خادرتی؟! اگر کارخانه تعطیل شود، خودمان و خانواده مان آواره و گرسنه میشویم، آن کارگر حالمه، برای چه خواهد که کارخانه را تعطیل میکند؟ برای اینکه پول برای زایمان نماند شده. یا نه... بی نیستید چقدر کارفرما حق با ما و دورست سعی میکند دروغ ما را گول بزند و جان هم بیاورد؟ ولی ما کارگران هرگز نیاید گول کارفرما و سرپرست را بخوریم و با اتحاد خود، توطئه آنها را با بدفعا کنیم.

کارگران اخراجی از شورای ضد کارگری کارخانه میخواهند مجمع عمومی تشکیل شود تا آنها بتوانند حرفها بیانشان را بگویند همه کارگران برسانند ما در مجمع عمومی نیز با تخریب و آوردن تیران تا آگاه به حله توسط کارفرما و مزدور. ان وی بر علیه کارگران اخراجی عمل میشود.

شکا بتهای کارگران اخراجی به وزارت کار شورای انقلاب و کمیته مرکزی جاشی نرسید. این مسئله را از قضا هم میشد پیش بینی کرد، کارنامه ما ه هیئت حاکمه پیش روی ماست، موازین ادبی را میخوان مثال زد که کارگران پس از اعتراض حقوق با سازمان ندانند، با سازمان ملج به سلاحهای آمریکا شای با اسرا شیلی رابست سر سرمایه دار و یحیات از او و ویروی خود دیده اند. گذشته از این نگاهی به قانون اساسی دستخیزت "حبرگان" نشان میدهد که این دولت تا چه حد حقوق زحمتکار را محترم نشمارد! تصویب ماده ۹ فوایس "حرا ثم ضد انقلاب که سراسر آن برای کارگری که در اعتراض به حقوق پایمال ندهش اعمات کند، ۲ تا ۵ سال زندان در نظر گرفته شده! بسیار مورخ ۵۸/۸/۲۶ شورای انقلاب و... اینها همه دلایل کافی هستند که کارگران و مکیان ما از این هیئت حاکمه قطع امید کنند. معاف، به نیروی همسنگی خود منگی نبود، ما سرپا به آن بسوا نندار جاع را کام هم کام

به عقب نشینی و ادارند. کارگران اخراجی از کوشش خود با رسمیا نند ما کارفرما نیز توسط مزدوران شجمنان بر علیه آنها توطئه میکند تا حدیکه مثلاً روزیکه کارگران کارخانه اسرالایت به نظرات ضد امیرالایستی میرفتند، کارگر-ان اخراجی، که با خانواده ها شان جلوی کارخانه اجتماع کرده بودند، امرارداشتند آنها به نظرات بیروند، اما طبق دستور کارفرما از سوار شدنشان به سروس جلوی کبری شد بعداً تا مع کردند که این عده آمریکائی هستند و میخواهند نگذارند کارگران به نظرات بیروند!

کارگران اخراجی در تاریخ ۵۸/۸/۳۰ به شورای متحد مسئول میشوند (شورای متحد متکامل از شورای ۱۵ کارخانه است که شورای کارخانه استرالایت نیز معمولاً است!) تا دخالت شورای متحد در تاریخ ۵۸/۹/۳ دوباره مجمع عمومی کارخانه تشکیل شود.

روز شنبه ۵۸/۹/۳ مجمع عمومی برگزار شد در این مجمع چندین نفر از جمله یکی از نمایندگان شورای متحد صحبت کردند. وی ضمن سخنانش اشاره کرد که: تضاد ما با آمریکا است، ما نباید بگذاریم کارگریساکار شود... در این جلسه دو نفر از کارگران اخراجی شما بندگی بقیه شرکت کردند و به ساری از همنها پاسخ گفتند. زبان همنان با ساریکت آنها مخالفت میکردند ولی اکثر مردها موافق بودند. در ابتدا یکی از کارگران مرد حمایت خود را از آنها اعلام کرد، سپس یکی دیگر از مردان دگمه های پیراهن را از کرد و سرنگمش کوبید و گفت: ما تکمیل سراسر و ارحال گرسنه های بیرون خبرداریم.

اگر چه تا کنون مسئله اخراج کارگران حل نشده، اما بغلت تلاشهای کارگران اخراجی در جهت آگاه کردن کارگران داخل از توطئه های کارفرما و جلب حمایت آنها میاز راه اطرف کارگران داخل خود آنها و شورای متحد ساری برکنش آنها به کار خود همنان ادا میدارد.

طبقه کارگر در مبارزه اش علیه سرمایه دار، بیس از هر کس باشد به نیروی همسنگی و تسکیلات خود منگی باشد!

کارگران مبارز، مدیر ضد کارگر پروژه های ماشین سازی را محاکمه و اخراج کردند

کارگران ماشین سازی بارس، واحد اهوراز در تاریخ ۵۸/۸/۱۲ سهرادی مدیر پروژه ماشین سازی را در محل کار که مورد محاکمه فرامی-دهد، آنها پس از فضای سواسی وی در طرفداری از نهادهای و اعدا مات صد کارگری در طول مدتی شعل جود، با اکثریت آراء، سهرادی را محکوم به خلع مقام مدیریت و اخراج از شرکت کرده و حکم مایه نلافه اجرا میگرد.

سهرادی که وضع را اسخس منمند، سه سسی خلدیما هبرده وظی نامه ساز ۵۸/۸/۱۲ که دارای غلطهای املائی و اشتباهی است میسوسد: "سما در کتر مدسی... از تاریخ تسکیسل کمیته کارگران ماشین سازی... حدود ۹ مانه مسکدر... در این مدت به ما این کمیته سر

کارگری است!)... میا شد و با بدترین تنبیه این نما بندگانی که ما ههاست ما مع بیسرت اهور شده و ملسونها تومان بول. این ملت فقیر را بچدر (آقای مهندس سهرادی از شدت ناراحتی ناشی از افرامان بدست بیرون کارگران، هدر راسه صورتی که میسید سوشه اشد! داده داده - تود." (با کنیدا زماست)

(آقای سهرادی امروز با نشان افتاده که ملت ما فقیر است، اما دیروز که آستان سوسی را در کنار مدیریت بیک میکشیدند، ملت ما فقیر نبود!) مدسی مثل همیشه مهندس سهرادی را در مقام خود باغفا کرده و به سرکار خود میفرستد، اما شورای کارگری ماشین سازی بارس، براسس اراده و خواست تمامی کارگران از بدترین وی خودداری کرده و با این دلیل که ورودی شرکت موجب واکنش شدید کارگران خواهد شد، از ورود او به شرکت (با وجود حمایت کلمه مقامات مسئول از او) مانع بعمل آوردند.

از آن پس شورای کارگری مسئولیت شرکت را با سعه کرفت. بیسرت بسیار خوب و مناسب کار در مدت کوتاهی که مدیر پروژه اخراج کرده شده است، بار دیگر نشان داد که افرادی مانند سهرادی ها، جز سرکوت کارگران، ایجاد نفرسه در معوت متحد و متکامل آنها، ما زره ما بندگی ها و با تورا های واقعی، اما حام اعمال صد کارگری، حیف و میل سروس و تروت حامه و کرفتن حقوقهای کلان کارگری انجام نمدهد.

با وجودیکه کارگران سهدیدند بود که در صورت عدم بدسرس مهندس سهرادی، دسبمرد ما هسانه آنها پیدا جت نخواهدند، اما بیسرت کار ریبر نظر شورای کارگری، اصماط و اتحاد انقلابی و آهس کارگران، موجب کردیکه مقامات صد کارگری نتوانند سهدیدها شان خود را عملی سازند.

کارگران ماشین سازی واحد اهوراز، اسک بخونی در با فضا بندگی انا دهس آنها ما س اصلی مبارزه و بیروزی آنهاست. و بیسرت شورای واقعی تنها در صورت جلب حمایت کارگران می-تواند وجود داشته باشد، و تنها آن شورائی واقعی اس که مسخت کارگران و متکامل از آکا هرس و معالیرس آنها باشد.

بیرون یاد دسبهای متحد کارگران ماشین سازی اهوراز

شبه در صفحه ۱۳



کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میباشند

حرفهای زحمتگشان

از نثریات زحمتگشان



در شرایط کنونی علاوه بر نثریات و روزنامه‌های علمی و غیرعلمی، در کاخ‌ها و محلات مختلف حتی در پارک‌های آرزوستاها نیز نثریاتی چاپ و نشر می‌شود که به اخبار و گزارشات آن کارخانه، محل و پاروستا اختصاص دارد. این نثریات بطور عمده نقش قابل ملاحظه‌ای در بالا بردن سطح آگاهی زحمتگشان و سبزه کارگران و دهقانان بازی می‌کنند، سبزه‌تکه‌ها نثری ساده نوشته شده و بیابانی نازل در اختیار آنها قرار می‌گیرند.

ما به منظور انعکاس هرچه وسیعتر گوشه‌ها - شی از زندگی و مبارزات زحمتگشان، از این

پس ضمن درج قسمتی و با قسمتهاشی از مندرجات این نثریات به معرفی آنها خواهیم پرداخت. "پیکان" نشریه است کارگری که توسط عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال منتشر می‌شود. این نشریه ضمن آشنا کردن کارگران با مبارزات عمومی مردم ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع، مسائل و مشکلات کارگری و سبزه مسائل مربوط به محیط کارخانه ایران ناسیونال را بررسی می‌کند. از شماره ۶ این نشریه که بدست ما رسیده است مقاله کوتاهی را برای آشنائی خوانندگان انتخاب کرده ایم که در زیر می‌خوانید:

انتظامات، حفاظت کمیته مستقر در کارخانه منحل باید گردد!

برادران کارگرها منظور که میدانید در رژیم شاه‌هاش برای سرکوب هر صدای حق طلبانه ما کارگران، ساواک به شیوه‌های مختلف بسالای سرما صورت داشت و کارگران آگاه و مبارزان تحت عنوان خرابکار و... تحت تعقیب قرار می‌داد. الان هم تغییری که نگرفته هیچ، عده‌ای کردن کلفت و ز- ۳ بدست هم به آنها اضافه شده‌اند.

پس بیاید ببینیم سرما به داران و کارفرماها چگونه و با چه وسائلی توانسته‌اند از ما بهره‌کشی کنند و حکومت هم بکنند.

۱ - انتظامات که هر وقت کارگری از حقیقت دفاع می‌کرد فوری او را کتک زده و تحویل مداخلات کارخانه می‌دادند.

۲ - بفرسوخا - که این عده اکثریت کارگر هستند و با اسم حفاظت ایمنی، در حقیقت نقش افراد خبیث را بازی می‌کنند، این افراد از صبح تا شب کارشان اینست که ببینند کجا محنتی از حق کارگر و اعتصاب میکنند تا فوری یک گزارش به کمیته بدهند

و آن کارگر را اخراج و با تشنه می‌کنند. افراد حفاظت ایمنی نقش سازمان امنست را دارند. آنها را خوب بشناسید.

۳ - کمیته، مستقر در کارخانه (چماق سرکوب) - این کمیته که حافظ منافع سرما به داران (کارفرما) میباشد آماده است تا صدای اعتراض و اعتصاب کارگران بلند شود و آتیوت با اسلحه سراغ ما بیاید. نمونه‌اش را در اعتصاب چند ماه پیش خودمان دیدیم. ما باید این دشمن ملحق خود را نیز بشناسیم.

برادران کارگر غفلت اینکه اوضاع کارخانه و نیز تمام جامعه تغییر نکرده، علت اینکه ما هنوز خود را در دوران طاغوت حس می‌کنیم در اینست که هنوز رژیم سرما سده‌داری و اسبه یا بر جاست و تا سرما به داری هست، ساواک هست، خیر محس هست، پاسدار ارتش ضد مردمی و زندان هم هست و همه اینها به تکلیف و حیل‌های مختلف دست بدست هم داده‌اند تا سرما به داری را حفظ کند و خون زحمتگشان را بیشتر بسکند.

استفاده کنند، نه اینکه زسی آبی هر روز کار و زندگی‌شان و سجه‌هاشان را رها کنند و نطله‌های آب را بردارند و بیرون بفرستند و بیلای اطراف و با سراج فشاری که در خیابان برغان است و زنها دور این فشاری جمع می‌شوند، و سر یک سطل آب کارشان به دعوا و فحش کاری می‌کند و آخر سر هم به تکستن سربکی از طرفین می‌آید. دلیل این همه محرومیت‌ها و رنجها چیست؟

چرا ما بدریک قدمی زور آب با دوستلای آدمهای بولدار آب داشته‌اند و تنگدلی زور آب با دستهای فقیر برای یک سطل آب اینچنین زحمد و زجر می‌کشند.

آقای فط زاده رئیس راد دیونلو بیرون در حرفهاشان می‌گویند:

با برهه‌ها انقلاب کردند و این انقلاب با تمام مزایایش مال آنهاست. ولی کو؟ حیز حرف ما عملی از دولت با کاسی دیگر بنفع زحمتگشان ندیده‌ام؟ اگر ما انقلاب کرده‌ام با بدبها آب و سرب بدهد ولی ما عملاً می‌بینیم که حرفهای آنها دروغ است چون ما حتم داریم، کوش و عقل. آنها می‌گویند با برهه‌ها انقلاب کرده‌اند، ولی به ویلاشنه‌های بول دارنمر می‌روند. به تمت دستگا و سفاط دیگر. ولی ما مارک صد انقلاب می‌زنند. این است مزایای انقلاب برای ما برهگان!؟

آقای فرما ندار کرچ در سخنرانی که برای اهالی کرچ می‌کرد می‌گفت: این آب حرام است. ولی یکی از کارگرها گفت "اگر شما نواسند یک روز سخای ما زندگی کنید در این محل، آنچه شما راست می‌گویند".

شما در بهترین ویلا با آب سرد و گرم در شرها با بدبها بکشید آب حرام است. و هر وقت که ما بیل با بدبها نواسند دوشی هم بکشید ولی ما چه داریم. ما آب می‌کشیم، نه شما و نه هیچکس دیگری نواسند لوما را بکشید. در جامه سرما به داری ما کارگران و زحمتگشان کار می‌کنیم، جان می‌کشیم و خون می‌خوریم، دستها - بمان تا ول می‌زند، گمران خم می‌شود، ولی نمره، کار ما را منتی سرما به داریا لوعقت می‌فایند و دست آخر ما را با تندبج فرسوده‌ای از کارخانه بیرون می‌اندازند. حیوانات از ما بهتر زندگی میکنند آنها در طبیعت! از آب استفاده میکنند ولی ما از ابتدا شیترین حق انسانمان، یعنی آب، برق، مسکن و... محرومیم. ما هیچ چیز نداریم که از دست بدهیم. فقط با اتحاد در میان خودمان و سایر زحمتگشان در دستگیر سفاط ایران می‌توانیم بر سره فقر و گرسنگی و بهره‌کشی را از زمین بپریم و سرما به داران ستمگرا را به نیروی اتحاد در حتم - کشان، محرومان و رنجبران، برای اعمال ظالمانه و ستمگشان برسانیم!

نشریه "فرما دوزر آب" که توسط گروهی از زحمتگشان تهیه زور آب در کرچ منتشر می‌شود، در شماره دوم خود مقاله‌ای دارد تحت عنوان "خبر از تیشه" که در آن ضمن بررسی مشکلات محصل از قبیل نداشتن آب و برق سراسری، به افشای هیئت حاکمه پرداخته و اهالی زور آب در این اتحاد عمل در جهت تحقق خواسته‌های عادلانه‌شان فرا خوانده است. در ادامه مقاله روش هیئت حاکمه، که بهره‌کشی که در صد دفاع از حقوق خود برآمده با دشمنانک صد انقلاب می‌زند، بخوبی افشاء شده است. در همین رابطه چنین می‌خوانیم:

داشتن مسکن، آب و برق حق مسلم زحمتگشان است!

اهالی زحمتگش زور آب دار مارک ضد انقلابی خوردند. دلیلش چیست که مارک ضد انقلابی شما زحمتگشان زده شد؟

دلیلش بخرا اینکه آنها آب و سرب و دیگر وسائل رفاهی از قبیل بهداشت عمومی، مسکن مناسب و... می‌خواهند چسبندگی نیست. مردم زور آب دار کرچ آب می‌کشند. یک شب از راد دیونلو بیرون سخن ندکده ما م - اهالی زور آب دگفت: این کار ما صد انقلابی است. شما نباید از آب بظنطور استفاده کنید، این آب حرام است. با بدبیل بدهد. مردم حاضر بدبیل بدهند ولی وقتی که از آب نواسند

نشریه "فرما دوزر آب" که توسط گروهی از زحمتگشان تهیه زور آب در کرچ منتشر می‌شود، در شماره دوم خود مقاله‌ای دارد تحت عنوان "خبر از تیشه" که در آن ضمن بررسی مشکلات محصل از قبیل نداشتن آب و برق سراسری، به افشای هیئت حاکمه پرداخته و اهالی زور آب در این اتحاد عمل در جهت تحقق خواسته‌های عادلانه‌شان فرا خوانده است. در ادامه مقاله روش هیئت حاکمه، که بهره‌کشی که در صد دفاع از حقوق خود برآمده با دشمنانک صد انقلاب می‌زند، بخوبی افشاء شده است. در همین رابطه چنین می‌خوانیم:

**چهران و دیگر جلادان خلق کرد
و باید محاکمه کرد**

ممنفی چهران اکنون وزیر دفاع جمهوری اسلامی و عضو شورای انقلاب است. او دوره ضد خلقی خود را در ضدیت با خلق فلسطین و نیروهای مترقی لبنان و مشارکت در سرکوب آنها هم دست با نیروهای دست راستی لبنان دیده است. پس از واژگونی رژیم شاه با توجه به قدرتی که با ندا (بزدی و طباطبائی و...) در دستگاه خاکمه داشتند به ایران آمدند و تاجرب مذاقنقلایی خود را در بازسازی "ساواک جدید" در کمک همه جا نه نظامی و مالی به سازمان دست راستی امل در لبنان، و با لآخره در جنگ آفریزی در کردستان بکار گرفت. او را رودسته قیاده موقت را "چهران" ایران خوانند، او مانند پهلوان پشمه ها در کردستان رجزخواند که هم برای رژیم آمده است و هم برای بزم. و اگر مفاومت مسلحانه و قهرمانانه خلق کرد نبود در اجساد خلق کرد بزم خود را بسا میکرد. اما بوزه او و همدستانش در کردستان بخاک مالیده شد. آنها با زهم در کردستان جنگ آفریزی میکنند و سوسونه اش را علامه غلاظ و ندای است که روز جمعه همزمان با حمله و بدگوشی آیت الله منتظری به هریران خلقی کرده ما در شد و دستور چهران تفسیرهای تحریک کننده ای از بحث کردی را دو همراهِ ما نهدید. های شدید پخش گردید.

چهران با بدبختی طرحها را بش در لبنان علیه خلق فلسطین که هم روز و هم سنگر خلقهای ایران است و هم بخت طرحها را بشی که در کردستان مرتکب شده همراه با همدستانش در دگاه انقلابی خلق محاکمه شود.

نظاره مردم محمودآباد (شمال) برای انحلال کمیته شهروانی قانون اساسی بدنبال اعمال فدرمی کمیته محمودآباد، مردم شهر که دیگر به تنگ آمده بودند در روز سه شنبه ۱۳ آذر متحداً خواستار انحلال فوری کمیته و محاکمه عناصر فاسدان شدند. جمعیت انبوهی از جوانان شهر، کارگران دهقانان و صبا دان به همین منظور دست بیک راه پیمایی اعتراضی زدند و خواستار اعلام رسمی انحلال کمیته شدند. این خواست در اثر فشار مردم انجام گرفت و آخوند شهر رسماً انحلال کمیته را اعلام کرد. راهپیمایان که با استقبال وسیع مردم روبه روبرو شده بودند ضمن دادن شعارهای خدا میرزا لیستی و فدا رتجایی و حمایت از مبارزات عادلانه خلقها همچنان تحریم رفراندم قانون اساسی، پس از دو ساعت راهپیمایی در جنب زاندامری اجتماع کرده وطنی خواندن قطعه نامه دپلمه های بیکار دست به افشای رژیم و عوامل کمیته و مضمون قانون اساسی خبرگان زدند. جمعیت در پایان با دادن شعار "کردستان کردستان گورستان فاشیستان" به آراستی متفرق شدند.



خلقهای ایران شد. اینک این حزب با اعتراض فاطمات علیه خلق ستمدیده، کرد و رو برو است. چه در جریان جنبش مقاومت کنونی خباثنهای حزب بوده را درک نموده است. و به همین دلیل شعار میدهند.

"توده بی دژی خملکه، تا ما به ویسی بسی کله که" ای توده ای ضد خلقی ترا نمیخواهیم شعری برای خلق نداریم، "حزب خود را ترک کن" فرصت طلب خباثنکار، مرگ بر حزب توده" "دفتر حزب توده، تعطیل باید کرد"

آنها بر علیه سخنان منتظری نیز شعار می دادند و می گفتند:

"منتظری غله تده کا، نه وهن به خه لکی کورده کا"، "منتظری غلط میکند، که به خلق کرد ووهن میکند".

با ن لکه که "رنده با دنیروهای کومه له - که کاک فواد همراه آنهاست را تکرار میکردند. به پیشوازیبشمرگان رفتند. نظم حرکت پیشمرگان در سه رویه در میان شور و شوق و شادی مردم منظره خاصی به شهر داده بود. عده ای از شوق پیشمرگان دست و پا می زدند و می خندیدند و عده ای بر سر پیشمرگان نقل و نبات میریختند. لحظه به لحظه بر تعداد استقبال کنندگان اضافه میشد و باز از این تعطیل شده بود.

■ مهاباد

۵۸/۹/۳ - نظاره های وسیعی از طرف مردم مازنی مهاباد به سمعان اعتراضی به سخنان نوهن آملیز منتظری امام جمعه شهران صورت گرفت که در ۲ شمارهای به طرفداری از هریران و نجصت - ی ملی و مذهبی کردستان داده شد. در این نظاره های و همجنس نظاره های شهرهای دیگر کردستان موج جدید اعتراضی برپا گردید و در اغلب این نظاره های شعارهای سر علیه سازش - کاران و فرصت طلبان آران جمله "حزب توده" مطرح گردید و اس ثابت میکنند که خلق رزمنده کردستانی توان فریب داد. آنها هنوز فراموش نکرده اند که همس حزب توده ایران در جریسان سالهای ۲۰ تا ۳۲ مرتکب جنایتها شدی در حق

■ مریوان

(بستل از خبرنا مه کومه له ۱۵ مورخ ۵۸/۹/۸)
سعد از ظهر روز یکشنبه ۵۸/۹/۴ چند صد نفر از پیشمرگان سازمان زحمتگان (کومه له) به دنبال درخواست مردم مریوان و پس از تصمیم فرمادهای نیروهای پیشمرکه، در میان استقبال انقلابی مردم مریوان وارد شهر شدند. کارگران، بازاربانان و دانش آموزان مدارس در لیکدستار تیزی شهری کومه له، کاک فواد

جلادان اشدالی دهکده های "قارنا" و "کانی مام سید" باید محاکمه گردند



(روزنامه اطلاعات ۱۳ آذرماه ۱۳۵۸)

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

جنبش دهقانی



دیگر اقتدار زحمتکش جامعه است که به پیش می برند و بیگونی رژیم شاه نیز به با بسیاری وجا سازی همین ها صورت گرفته است .
در شرایط کمونی چه در رابطه با روستا - ثباتی که زمینهای ملاکین را به تصرف درآورد - اندوچه در رابطه با آن روستا ثباتی که هنوز مشغول مبارزه برای تصرف زمینهای مالکین بزرگ هستند ، نکاتی را باید یادآوری نما - شیم که در جهت ادامه این مبارزه و حفظ دستاوردهای مبارزاتی شان ضروری بنظر می - رسد :

باهم بکارید ای دستهای توانای روستائیان شوشر

۱ - دهقانان بی زمین و کم زمینی که هنوز به پیروزی دست نیافته اند باید بی برای پیشبرد مبارزات خود جلوگیری از تفرقه ، و برای حفظ یکپارچگی خود در مقابل زمینداران و مالکین بزرگ چند نفر را بعنوان نمایندگان خود انتخاب کنند که از بهترین ، مبارزترین و آگاه ترین آنها باشند . این نمایندگان رهبری مبارزه را به عهده گرفته و به آن نظم می بخشند .

های "راتق" نهضت ادامه دارد . و چون در مقابل این عمل متحد دهقانان کاری از عهده راتق و افراد کمیته بر نمی آید ، دست از پا درازتر به شهر بر می گردند .

کشا ورزان روستای نعم آباد از توابع شوشر که حدود ۲۰ خانوار در آن زندگی می - کنند ، سروری زمینی کشت میکنند که از آن فردی بنام "راتق" میباشد فرد مذکور در شهر شوشر صاحب تنها فروشگاه و بلاکوفروشی شهر است . چندی قبل کشا ورزان دسته جمعی به سر مزرعه رفته و وشاها را زن و بچه ، خود به شخم آن می بردارند . فردا صبح که راتق جهت سرکشی زمین به ده می - آید ، خود را با عمل روستا ثبات روبرو می بیند . وی فوراً به شهر برگشته و یک ماشین بزرگ ، سنگ برای حصارکشی دور زمین به روستا می فرستد و خود نیز همراه با افراد مسلح کمیته بدنحال آن می آید .

روستا ثباتان قهرمان نعم آباد تا کنون زمین را در اختیار خود دارند .

کشا ورزان با مشاهده افراد کمیته در کنار "راتق" بخشم آمده و در در زمین مزروعی دست به نظا هرات زده و شاعر می دهند که "تافتخ زمین -

کشا ورزان روستای "محل" از توابع شوشر به تاریخ ۵۸/۹/۵ دست به تصرف زمینهای امیرحسین خان زده و بطور مشترک دست به شخم زمینها میزنند . این عمل قهرمانان آنها با استقبال روستا ثباتان دهات مجاور روبرو شده و آنان نیز دست به تصرف زمینهای همین فرد میزنند . روستا ثباتان این دهات بطور شورائی زمینها را در اختیار خود گرفته اند و هم اکنون اولین بذرا اشتراکی را بر زمینها می باشد .

۲ - دهقانان با بدبوی و سدهای عمومی با یکدیگر تشکیل دهند تا در جریان پیشبرد مبارزه بوده و ضمن جمع بندی از حاصل کار خود ، راههای پیشبرد مبارزه ، خود را در آینده ، تعیین کنند و از اختلاف و چندگانگی جلوگیری شود . این مطلب برای دهقانانی که به پیروزی دست نیافته اند نیز صادق است چرا که انتخاب نمایندگان - گان آگاه و مبارز را بر سرگزارای جلسات عمومی ، دستاوردهای مبارزاتی آنها را در مقابل توطئه های بعدی مالکین ، حفظ میکند .

هر چه گسترده تر باشد جنبش های حق طلبانه دهقانان علیه ملاکین! پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان!

۳ - دهقانان باید سعی کنند که از نفوذ دهقانان مرفه در میان خود جلوگیری کنند و نگذارند که رهبری مبارزاتشان بدست آنها بیفتد . آنها همچنین باید از نفوذ ملاکین و عناصر مرتجع که بهیچ وجه از درد رنج دهقانان بی زمین و کم زمین بوشی نبرده اند در میان خود جلوگیری کنند تا آنها ... سعی در مقابل مبارزات دهقانان ایجاد نکنند و یا احتمالاً از دستاوردهای مبارزاتی دهقانان زحمتکش بنبفع خود ، سود جویند . این امر برای دهقانانی که به پیروزی دست یافته اند نیز قابل توجه است . چه با نفوذ دهقانان مرفه و ملاکین در میان آنها و تفرقه انداختن در میان ثباتان ، زمین برای توطئه ها و دسائیس ملاکین فراهم می شود .

مبارزات دهقانان بر علیه زمینداران در مبارزات آنرا و ج تازه ای بافت است . در همین رابطه "حوره" ما زنده در "ما زمان" اعلامیه ای انتشار داد و در آن رهنمودهایی را به دهقانان مبارز ارائه کرده است . در زیر متن این اعلامیه و بعضی اخبار مبارزاتی دهقانان (اطراف آمل و نور) را مطالعه میکنند :

مبارزه علیه مالکین بزرگ از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

۴ - دهقانان باید تا آنجا که میتوانند با سایر روستا ها ثباتی که چنین مبارزاتی را در آنها وجود دارد تماس گرفته و مبارزاتشان را با یکدیگر هماهنگ نمایند . دهقانان در این راه باید از کمک روشنفکران انقلابی و گروهها و سازمان های که در راه رها ثباتی زحمتکشان مبارزه میکنند ، سود جویند .

داده اند به پیروزی رسیده اند و در مبارزات نیز در استان به پیروزی هستند . این حرکت طبعی است که مبارزات مبارزین توطئه های ملاکین مرتجع که این تصرف زمین را "غصب" دانسته و به اصطلاح از نظر شرعی حرام قلمداد کرده بودند ، صورت گرفته است . این مبارزات طبعی نیستند ، تبلیغات نیرو - ها ثباتی مانند "حزب توده" که چنین حرکتی را انحرافی و بعنوان اخلاص در مبارزات ضد امپریالیستی قلمداد می کنند صورت گرفته است . آنها بدروغ ادعا میکنند که مبارزه دهقانان بی زمین و کم زمین علیه زمینداران بزرگ در درون نیروهای ضد امپریالیستی تکلیف آنها ختم و مبارزات ضد امپریالیستی ما را از صیرامی خود منحرف می کنند !

شورخا امپریالیستی نوبنی که در میان رده های عظیم میهن مان دمیده شده و همه اقشار و طبقات زحمتکش را به حرکت در آورده است ، در میان دهقانان نیز به تاثیر رسیده و تحریک تازه و امیدبخشی را در میان آنها بوجود آورده است . این شور مبارزاتی ضد امپریالیستی در میان دهقانان ، در ادامه خود وسعت بیشتری یافته و همراه با آن موجی از جنب و جوش و مبارزه در میان دهقانان بی زمین ، این شمشیر - ترین قشر روستائی ، علیه ملاکین و زمینداران بزرگ برانگیخته شده است .

آری ، همه این مبارزات و جنبش های دهقانی علیه زمینداران بزرگ ، در متنی از مبارزه فعال آنها علیه امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا و بهیچ وجه مبارزات مبارزین

ما طی همین مدت کوتاه دهها نمونه از این مبارزات را در روستا های (کمانگرکلا) ، نیار ده "کلیکان" ، "چنگاز" و ... سراغ داریم و اخبار و روایط را با بر شهرستانها و نیز صفحات روزنامه ها گویای این مدعا است . تاکنون در برخی از دهات چون "علی آباد" ، "کمانگرکلا" ، "چنگاز" و ... دهقانان با همکاری و یکپارچگی فراوانی که در طی مبارزات ، از خود نشان

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



ریشه‌های بحران مسکن در ایران

- ۲ -

غارت و استعمار زحمتکشان همراه است. و نیز گفتیم که مسئله، مسکن نه تنها در کشور ما بلکه در دیگر کشورهای سرمایه‌داری با شدت کم‌وبیش در اینجا و آنجا وجود دارد.

طبیعتاً هنگامیکه مسئله‌ها بجز ارتولید و مالکیت خصوصی بر آن مطرح می‌شود، زمین نیز بعنوان یک منبع طبیعی ثروت از این قاعده مستثنی نیست. هنگامیکه مسئله مالکیت خصوصی بر زمین مطرح می‌گردد زمین نیز قاعداً میتواند بعنوان یک کالا مورد مبادله و خرید و فروش قرار گیرد و قیمت آن نیز در بازار بر حسب عرضه و تقاضا، میزان سرمایه‌گذاری و نرخ سود که خود وابسته به میزان انحصار و احتکار آن درجا معین می‌شود. تعیین می‌شود. گرایش به هم‌سطحی نرخ سود در رشته‌های مختلف اقتصادی یکی از اصول مسلط بر یک بازار سرمایه‌داری در دوران رقابت آزاد است در حالیکه در این مسئله در دوران امپریالیسم و انحصارات و بویژه در کشور ما که سلطه انحصار - طلبانه انحصارات امپریالیستی و وابسته‌داری بر آن وجود اقتصاد آن مسلط بوده است قیمت و ارزش کالای چون زمین و ساختمان نه‌تنها بر رقابت آزاد و با گرایش به هم‌سطحی (که نتیجه آن بی‌امدنی بعثت منتقل شدن کلیه سرمایه‌ها به آن رشته کاری نرخ سود در ساختمان سازی و زمین سازی است) بلکه عمدتاً ناشی از احتکار و تسلط انحصار طلبانه بر این بخش اقتصادی نظیر بخشهای دیگر بوده است. دنباله دارد...

واحدهای فعلی مسکونی در شهرها با خصوصیاتش که قبلاً شرح دادیم (که این بویژه برای تهران که بصورت حیرت‌آوری نیروی انسانی مناطق روستائی را جذب میکند، به رقمی حدود ۸۲/۸۰۰ واحد مسکونی در سال میرسد) طبق همین اظہار نظر ۱۶۵ هزار خانوار در تهران مستاجرند. (۳)

این بودهمه‌ای از وضعیت بحرانی مسکن در ایران. علیهذا با بستی به علل و عوامل بنیادی این مسئله که ریشه در اقتصاد سرمایه‌داری و غلبه حاکم بر کشور دارد، رده‌چندگانه آنرا در دستور بحث‌های روز مردم قرار می‌دهیم. اما بسینیم که از دیدگاه ما آن مسائل اساسی که کره‌گاه اصلی بحران مسکن در ایران می‌باشد، چگونه بوده‌وا امروز به چه صورتی است؟
همانطور که گفتیم نظام سرمایه‌داری به طور کلی با تعادل گریزنا پذیر بسوی تسلط مالکیت از مالکین کوچک و انباشت و تمرکز سرمایه‌ارتولید در دست قشر معدودی جهت (۳) - کسان ۱۱ تیر ۵۶

جدول ۴ وضعیت نحوه صرف واحدهای مسکونی توسط خانوارها را در برشماری سال نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود در سال ۴۵ در کل کشور ۱۶/۲٪ از خانوارها در خانه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کرده‌اند. علت باثباتی بودن این رقم در سطح کل کشور ساختمان‌های روستائی است زیرا در روستاها عمدتاً ساختمان‌های مسکونی بصورت ملکی است و خرید و فروش منازل و اجاره دادن بعثت عدم رشد توليد کالائی کمتر رواج دارد. رقم مربوط به اجاره در مناطق روستائی که در سال ۴۵، ۵/۱٪ است این وضعیت را بخوبی نشان می‌دهد. حال آنکه در شهرها ۲۳/۴٪ از خانوارها بصورت اجاره‌ای زندگی می‌کرده‌اند. و ارتام مربوطه در مورد شهرهای امدها مرکزی در رقم قابل ملاحظه ۳۹/۲٪ می‌رسد.

البته واضح است که اجاره‌نشی در ایران همواره در حال رشد بوده است زیرا جمعیت شهری سریعتر از روستاها رشد کرده است. این بحران را در جدول ۵ نمودار ۳ که رشد جمعیت و رشد تعداد واحدهای مسکونی را در فاصله سالهای ۵۵ - ۵۱ نشان می‌دهد، بخوبی می‌توان دید.

بهر حال طبق اعراف کارشناسان رژیم سابق در کشور ما هر سال در شهرها به ۳۰۰ هزار واحد مسکونی جدیداً ساخت می‌شود (بگذریم از

جدول ۴ - درصد خانوارها در مناطق کشور بر حسب نحوه صرف واحدهای مسکونی

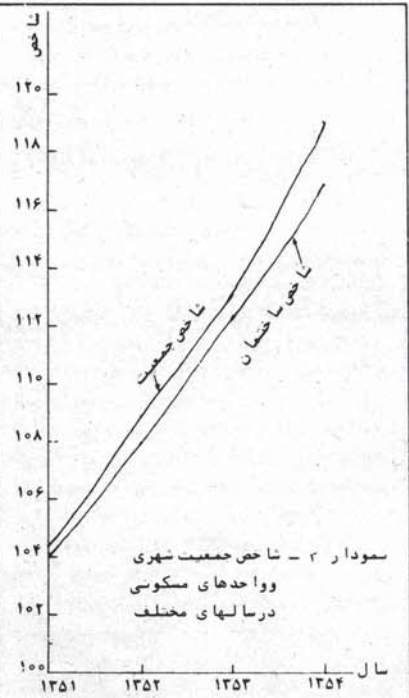
نوع مسکن	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴
کل کشور	۱۶/۲	۱۲/۲	۵۹/۲	۱۲/۲
سایر شهر	۲۳/۴	۲/۵	۵۰/۲	۱۱/۷
مناطق روستائی	۵/۱	۱۷/۲	۶۵/۲	۱۲/۵
مناطق مرکزی	۲۹/۱	۶/۵	۵۱/۷	۱۲/۷
سایر شهر	۳۹/۲	۴/۱	۴۸/۲	۱۰/۵
مناطق روستائی	۵/۲	۱۷/۰	۵۹/۹	۱۷/۹

ما حد ساخت سرمایه‌داری عمومی جمعیت ساکن کل کشور در سال ۱۳۴۵ - مرکز آمار ایران

جدول ۵ - تعداد ساختمان‌ها و جمعیت شهرها در سالهای مختلف

سال	تعداد ساکنین در مناطق شهری	تعداد جمعیت شهری	تعداد واحدهای مسکونی در یک واحد مسکونی	تعداد واحدهای مسکونی
۱۳۵۱	۱۷۵۸	۱۰۴/۱	۷/۳۵	۱۰۰
۱۳۵۲	۱۸۲۵	۱۰۸/۱	۷/۳۹	۱۰۰/۵
۱۳۵۳	۱۸۹۷	۱۱۲/۴	۷/۳۹	۱۰۰/۵
۱۳۵۴	۱۹۷۵	۱۱۶/۹	۷/۴۴	۱۰۱/۲

واحد مرکز آمار ایران



داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

اطلاعیه گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر

ورق پاره، رنجبرانگان سازمان ضد انقلابی در شماره ۳۶ مورخه ۳۰ آبان - مطلبی تحت عنوان "بیانیه‌بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر" درباره پیوستن به اصطلاح "کمیته تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران" درج کرده است که ما خود را موظف به ذکر نکته زیر دیدیم: هیچ فرد یا بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر به اصطلاح "کمیته ایجاد حزب کمونیست ایران" نیویسته و اصولاً اعضای اخگر با این کمیته و ما در آن یعنی "سازمان اتحاد مبارزه..." را تشکیل می‌دهیم. کمونیستی و ضد انقلابی میدانند. در حقیقت بی‌انیه مزبور نوشته فردی از اعضای سابق اخگر است که حدود ۷ ماه قبل بعثت فقدان برنسیب و تجربه سیاسی و تشکیلاتی از گروه اخگر شده است. اعضای اخگر افتخار را دارند که همواره از مواضع انقلابی طبقه کارگر دفاع کرده و دفاع خواهند کرد و برخلاف جوانک نویسنده، بی‌انیه مزبور هیچگاه به تعلق گویی از قدرتهای فاشیستی نیرداخته و نخواهند پیرداخت. ما استغاده از نام گروه اخگر از طرف فرد مزبور را عملی شایسته و یک دزدی سیاسی قلمداد نمیکنیم و نشان می‌دهیم محتوایی و دروغگو بود. سازمان "ضد انقلابی" و شرکا، میدانیم. گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر ۱۸/۹/۳

اخبار و مسائل جهانی



توطئه جدید "امل" علیه مردم فلسطین و لبنان و نقش آقای چمران و طباطبانی

سازمان دست راستی "امل" در لبنان که گونه‌هایی از ما هیئت و عملکرد آن را در شماره های گذشته بیکار رسیان کردیم. هم اکنون به کمک همدستان ایرانی خود مثل چمران، طباطبانی و... و اربک پول و امکانات و تبلیغاتی که بجای فلسطینی ها از ایران دریافت می‌دارد بصورت یک خطر جدی برای انقلاب فلسطین در آمده و نقش ارتجاعی خود را در ایجاد تفرقه بین توده‌های شیعه در جنوب لبنان و بینا هندگان فلسطینی نشان می‌دهد. سازمان امل و مرتجعین شیعه که بصورتی عالی شعبان در لبنان مطب هستند در تبلیغات خود برای مردم لبنان چنین وانمود می‌کنند که گویا فلسطینی‌ها میخواهند جنوب لبنان را به عنوان وطن و محل اقامت دائمی خویش بدانند و لبنان‌نیها را از جنوب اخراج کرده، خود بجای آنها ساکن شوند! تاکنون هیچ فلسطینی و هیچ نیروی مترقی لبنانی تصور آنرا هم نکرده است که فلسطینی‌ها دست از وطن خود بکشند و جای دیگری را بعنوان وطن بپذیرند. لکن این دروغهای توطئه آمیز هم اکنون از سوی "امل" و دیگر نیروهای دست راستی و عمال اسرائیل منتشر میشود. از این طریق ارتجاع شیعه می‌کوشد توده‌های ناآگاه و محروم جنوب لبنان را به ضدیت با انقلاب فلسطین و نیروهای مترقی وادارد. انقلاب فلسطین تاکنون تنها به دست صبر و حوصله در مقابل این توطئه ردیلاسه بکار برده است اما امل و همدستان آن دست-

بردار نیستند. خبر موشک زیر این حقیقت را فاش می‌سازد: "روزها شورا مقابل حسینیه واقع در محله برج التبراجنه بیروت و در حالیکه تعداد کثیری از مردم برای بزرگداشت این روز اجتماع کرده بودند یکی از افسران الفتح بوسلیه، افسراد "امل" مورد اصابت گلوله قرار گرفته کشته می-شود. مقاومت فلسطین برای جلوگیری از تشنج عکس العملی نشان نمی‌دهد اما وضع متشنج میشود. بلافاصله پس از این ترور نا-حواستردانه، سازمان امل و دارودسته کامل-الاسعد (که از فتوای الهی سرشناس جنوب لبنان و رئیس پارلمان این کشور است) و نیز عده ای از افراد رکن ۲ لبنان (که مثل ساواک مشهور است) وعده‌ای از عناصر دست راستی لبنان که گوش بزرگ توطئه هستند، حدود ۵۰۰ نفر مسلح را سوی حسینیه مزبور می‌فرستند تا در برابر اقدام متقابل فلسطینی‌ها دست به عمل بزنند."

امل برخلاف ادعای چمران و طباطبانی سلاح خود را بسط فلسطینی‌ها! و نه اسرائیل، نشان نرفته است. از سوی دیگر سید حسین خمینی توه، آیت الله خمینی که چندی پیش به جنوب لبنان رفته بود و مقاومت فلسطین را تائید نموده و ضرورت همکاری و همبستگی بین شیعه-های جنوب و فلسطینی‌ها را مورد تاکید قرار داده بود هم اکنون مورد خشم دارودسته، امسل قرار دارد و به او تازم می‌گویند.

در پایان این با دداشت عکسی از صادق طباطبانی را که هفته پیش چاپ کرده و او را در انفرم امل نشان می‌دهد، می‌آوریم. البته تلویزیون خط زاده هم با اختراع تمام طباطبانی را در لبنان امسل برای مردم ایران نشان داد!



تظاهرات ضد امیرالاستی

دانشجویان لبنانی و عرب عظیم ایران

روز شنبه ۳ آذر ماه بدعوت دانشجویان لبنانی دانشگاه تهران و با مشارکت دانشجویان عرب و ایرانی یک راهپیمایی ضد امیرالاستی به سمت خانه آمریکا آغاز شد. دانشجویان با پلاکاردها و شعارهای خود مراسم تفریحی را از امیرالاستی و ارتجاع اعلام کرده از بازارهای خلقهای ایران و غرب علیه امیرالاستی و صهیونیسم و ارتجاع پشتیبانی نمودند. راهپیمایی با صفوف منظم به محل جاسوس-خانه آمریکا رسید. وقتی از پل گذروا اعلام شد که تظاهرات کنندگان لبنانی هستند هزاران نفر از مردمی که در آنجا اجتماع کرده بودند فریاد زدند: درود بر سرادر لبنانی، شوره، شوره حتی-النصر (انقلاب، انقلاب تا بیروزی) و "امروز ایران، فردا فلسطین"

- سپس یکی از دانشجویان لبنانی پیش تریبون قرار گرفت و پس از شعارهای درود بر خلق قهرمان ایران، "مرکز برکاتر، سادات، بگس" و "مرکز بر ارتجاع" طی سخنانی از صبح گذشته، مبارزات ضد امیرالاستی در ایران پشتیبانی کرده و اظهار داشت که اقدام به تخریب سفارت آمریکا را تنها حریفی از مروج ضد امیرالاستی مردم ایران با بدلتقی کرد.
- وی سپس قطعنامه، مبتنی بر زبان فارسی ذراست نمود که در آن چنین آمده بود:
- ما از انفال مرکز جاسوس آمریکا پشتیبانی کرده و آزارگام کوچکی میدانیم که باید در خدمت نبرد جهانی و سربوس ساز علیه امیرالاستی قرار گیرد.
 - ما از کلیه نیروهای انقلابی و توده‌های خلق‌های ایران و عرب میخواهیم که در نبرد علیه امیرالاستی متحد شوند.
 - ما از کلیه نیروهای انقلابی عرب می-خواهیم که با خلق و نیروهای انقلابی ایران در نبرد علیه امیرالاستی مشارکت فعال نمایند.
 - ما خواهان قطع کامل نفوذ و سلطه امیرالاستی بر فلسطین، زمین‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و... می‌باشیم.
 - ما نیروهای ارتجاعی عرب و غیر عرب را که در مبارزه ضد امیرالاستی مردم ایران شرکت نکردند محکوم می‌کنیم.
 - ما ایحاد "دولت لبنان آزاد" و سرکردگی "سعد حاد" را محکوم کرده‌ایم و این دولت دست نشانده را خواهانیم.
 - ما هرگونه تهدید یا دخالت نظامی علیه ایران را محکوم کرده، این تلاشهای امیرالاستی آمریکا را محکوم توطئه ضد فلسطینی و صغری و ضد انقلابی کمب دیون می‌دانیم.



چهارشنبه ۵۸/۹/۱۴ را تعطیل کرده و بکجهت به مسئولان امر مهلت داده اند تا نسبت به سنا سازی دستگیری و محاکمه مزدوران تاراجگر اقدامات لازم را معمول دارند. دانشجویان صرف نظر از گروه بندیهای سیاسی ضمن صدور اعلامیه‌ای بکمدان این اقدام ارتجاعی را محکوم نموده اند.

حمله اراذل و اوباش به دانشکده نقشه برداری شب شنبه ۵۸/۹/۱۳ عمال ارتجاع ضمن حمله به دانشکده نقشه برداری، کلیه اعلامیه‌ها و پوسترهای موجود در دانشکده را پاره کرده و فیلم و نوار کتا بهای دانشجویان را سرقت بردند. دانشجویان بعنوان اعتراضی کلاسهای

رفراندوم قانون اساسی "خبرگان" و موضعی‌های نیزه‌های مختلف سیاسی درباره آن

شریعت‌مداری نیزه‌برخی "تناقضات" در قانون اساسی اشاره کرده و آنرا بهانه "عدم شرکت خودداری گیری می نماید": "حزب جمهوری خلق مسلمان" عمده دلیل خود را، برای عدم شرکت "اسلام و تناقضات این متن (که) حاکمیت ملی را نقض میکند" اعلام کرده است (شماره ۱۶ روزنامه "خلق مسلمان"). در این بیانیه ضمن اشاره به اصول ۵۷ و ۵۸ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۶ که بدرستی بیان آشکارا فاسد آراء ملت و ولایت فقیه است، آمده است که: "در اصل اینجا هشتمین مرتبه بر گرفته شده که به موجب حق الهی انسان بر سر توست اجتماعی خویش حاکم می باشد و هیچکس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند، پس چگونه بموجب اثر مواد این متن پیشین‌های فقه اجنبی را بی‌پیدا کرده است که می‌تواند این حق... را... از آنان سلب کرده یا کنترل نماید". در واقع لب مطلب مخالفت با ولایت فقیه است. چرا که بیان با حاکمیت فقهی مورد نظر آیت‌الله خمینی، نیک میداند که نخواهد توانست در قدرت سهمی با شما نتواند اما مال و خواست - های بورژوازی شان را پیش ببرد.

آیت‌الله شریعت‌مداری اصلی ترس علل عدم شرکت خود را چنین توضیح می‌دهد: "دو اصل ۶ و ۵۶ که مطابق مقررات شرعی نیز می‌باشد، حاکمیت ملت را تثبیت و تفسیر کرده اما اصل ۱۱۰ قانون اساسی اخبارات مردم را از ملت سلب کرده..."

بنا بر این می بینیم علت اصلی مخالفت او همین اصل ۱۱۰ است که اخبارات بسیار زیادی را بطور انحصاری در دست آیت‌الله خمینی متمرکز می‌کند.

یعنی او با اصل ۵ یعنی ولایت فقیه مخالفتی ندارد، اما با نحوه پیاده شدن آن که در اصل ۱۱۰ بطور مادی مشخص آمده است مخالفت می‌کند.

جوهر هر دو استدلال حزب جمهوری خلق مسلمان و آیت‌الله شریعت‌مداری یکی است: مخالفت با انحصار رجحان آن جناح از روحانیت که گرد آیت‌الله خمینی جمع شده‌اند. و تلاش برای کسب آزادی برای سهم شدن در قدرت است.

وجه مشترک لیبرال‌هایی که در انتخابات شرکت نکردند و آنها که شرکت کردند

اما تمامی لیبرال‌ها چه آن‌ها که در قدرت سهم دارند و چه آن‌ها که در قدرت سهم ندارند در یک چیز در یک خط اساسی با هم یکی هستند و آن "خود غرضی" و فرستگیا فایده داشتن از خواست‌های توده‌ها و اپراداتی که از نقطه نظر منافع آنان به قانون اساسی وارد است. می بینیم نئولیبرال‌های سهم در قدرت

نیزه که سرمایه‌های وابسته با مدلی شود، نگویند ۴۰ ساعت کار در هفته، و سرمایه داران وابسته را از کارخانه ها اخراج نکنند، از نظر او نظم یعنی فراهم آوردن شرایطی برای بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته و به راه انداختن کامل آن و...

آری نظمی که از آن نام می برد یعنی "دیکتاتور بورژوازی" یعنی حاکمیت طبقات و اقتدار بورژوازی و ارتجاعی بر خلق، و این نظمی است که همه لیبرال‌ها آنرا دوست دارند!

ب - لیبرال‌هایی که در انتخابات شرکت نکردند

جریانه‌های دیگر بورژوازی لیبرال، نظیر "جبهه ملی ایران"، "جمهوری خلق مسلمان" و آیت‌الله شریعت‌مداری، در این انتخابات شرکت نکردند. آنها برای کار خود "دلایلی" داشتند، "جبهه ملی ایران" از آنجا که در "خبرگان" نماینده‌ای نداشت و با بهتر بگوئیم از آنجا که اساساً نتوانستند در قدرت حاکمیت سهم پیدا کنند، فرمولی برای تصویب قانون اساسی "خبرگان" ارائه میداد که بخوبی امیال خود غرضانه‌اش را به نمایش می‌گذارد:

"... پیشنها می‌کنیم در اوضاع و احوال فعلی دستور فرمایید انجام رفراندوم بطور موقت متوقف شود و انتخابات مجلس شورای ملی بر اساس هر یکم از رفتارها لی کشور یک نفر نماینده برای مردم انجام گیرد و طرح مصوب مجلس خبرگان و همچنین طرح پیشنهادی دولت موقت و سایر پیشنهادها را برای تکمیل طرح مذکور تنظیم و ارائه شده است به مجلس شورای ملی داده شود... (تا) به کار تدوین قانون اساسی نیز بپردازد..." (از نامه "جبهه ملی" به امام خمینی، آذرماه ۵۸)

آری، آنها می‌خواستند در چنین مجلسی (مجلس شورای ملی) حضور یابند و فرصت چانه زدن برای به کرسی نشاندن خواستهای بورژوازی خود داشته باشند. ممکن است پرسیده شود مگر نه اینکه همین قانون اساسی بورژوازی است پس چرا این را خوش نیامده است؟ در پاسخ باید گفت قانون اساسی فعلی در همین حال که ما هست که ملاحظاتی و ارتجاعی دارد ولی بدلیل اینکه فقیه‌بیندهای مذهبی برپای آن زده‌اند، بدلیل اینکه به "فقر ممتد ز روحانیت" موقعیت خاصی بخشیده است، حکومت که ملاحظاتی بورژوازی را تضمین نمی‌کند و حاکمیت کل بورژوازی را با حقوق برابر در نظر نگرفته است، و به همین جهت "جبهه ملی" مجبور است هنوز برای داشتن حق برابر با دیگر جریانه‌های بورژوازی چانه بزند. هر چند که دیگر عمر تاریخی شان بسر آمده باشد.

حزب جمهوری خلق مسلمان و آیت‌الله

-۲-

در شما ره‌قبل راجع به قانون اساسی خبرگان صحبت کردیم و گفتیم که چگونه این قانون با توجه به اینکه به خواستهای دموکراتیک و فدا مهربالیستی توده‌ها پاسخ نمیدهد و با توجه به اینکه حقوق مسلم و اولیه کارگران، یعنی حق اعتصاب را به رسمیت نمی‌شناسد و ۴۰ ساعت کار در هفته را برای آنها قبول ندارد... قانونی ضد انقلابی و ارتجاعی است. با توجه به این مسئله و همین‌طور چگونگی تشکیل خبرگان ما شرکت در رفراندوم قانون اساسی را تحریم انقلابی کردیم. و اینک می‌پردازیم به موضعی‌های جریانه‌ها و نیروهای مختلف سیاسی:

لیبرال‌ها و قانون اساسی

الف - لیبرال‌هایی که در انتخابات شرکت کردند

جریانه‌های مختلف بورژوازی لیبرال به هم جدا شدن یا نداشتن در قدرت سیاسی فعلی، مواضع به ظاهر متناقضی در مقابل قانون اساسی گرفتند. جریانه‌های نظیر "نهضت آزادی ایران" که با نمایندگانی چون بازرگان، سعایی و... در هیئت حاکمه حضور دارند، و با حزب ملت ایران، که فروهر در رأس آن قرار دارد، برای تثبیت موضع و موقعیت خویش و درست بهمین دلیل که این قانون منافع خلق بلکه منافع بورژوازی را تامین می‌کند به آن رای مثبت دادند. آنها بخصوص از آنجا که هیئت "نظم" را برای حفظ موقعیت کسوسی بورژوازی لازم میدانند، با این قانون موافق‌اند، سعایی در مصاحبه تلویزیونی بخوبی با تکیه زیاد به لزوم تنظیم این خواست را بیان میکند. بازرگان در این مورد می‌گوید:

دینت مهندس مهدی بازرگان در حسینیه ارشاد طی یک سخنرانی دو ساعته از مردم صوت کرد که با تعقل و اندیشه و با توجه داشتن به اینکه این انقلاب باید ماند و از هر دسیسه‌های برکنار باشد به قانون اساسی رأی مثبت بدهد و بداند که در کنار این قانون اساسی است که مملکت را زمین مواج هرج و مرج به ساحل نجات و رها می‌خواهد رسید.

می‌بینیم که بازرگان قانون اساسی را برای رهایی از "هرج و مرج" و در واقع برقرار کردن "نظم" مورد نظرش می‌خواهد. اما او اسم چه چیزی را نظم می‌گذارد؟

(با مداد، شبیه سوم آذرماه) مهندس بازرگان در ۹ ماه گذشته نشان داده است که نظم را نظر او، یعنی اینکه با خیال آموده و راحت به بازاری ارتش با همان ساخت ضد خلقی بپردازد، و کسی اعمال او فرماده‌ها را مزدوری را که او برمی‌گمارد، افشا سازد...! و نظر او نظم یعنی کارگران سی - کارگرسته بخوابند و حتی سمیرندولی اعتراض نکنند، بلکه "صبر" بکنند...

از نظر او نظم یعنی کارگران ساغر فریاد

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان



مراسم پرشکوه روز دانشجو چگونه برگزار شد؟
دانشجو، محصل، پیوند با زحمتکش

اینک در تلاطم امواج خروشان مبارزات خلق،
قطره‌های خون شهیدان میریالیست دانشگاه
مهدی شریعت رضوی، احمد قندی و مصطفی -
بزرگ نیاتازه تر از هیمنه می درخشد و سیاد
می آورد که این سه دانشجوی مبارز، آتش
مبارزه را بر علیه امیرالیستم ورژیم دست -
نشانده اش، بر سرترت نمودند.

هر سال در ۱۶ آذر، دانشجویان سوگند
خویش را در نبرد بیگمروتا پای جان با امیربا -
لیسم و ارتجاع، تجدید میکنند و شجاعانه
همچنان به پیش می روند. ۱۶ آذر روز آذر -
نشان مبارزه دانشجو، سمبل مبارزات همواره
خروشان دانشجویان است.

برای تحکیم سوگند تجدید عهد با دانشجو -
بان شهید، دانشجویان مبارز، دانشجویان
هوادار راه کارگردان دانشجویان هوادار را ز -
مان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در
دانشگاه پلی تکنیک گرد آمدند. علاوه بر
دانشجویان، دانش آموزان و گروه های مختلفی
از مردم نیز در این مراسم شرکت داشتند.

دانشجویان در سخنرانی های از امیربا لیسم
و ارتجاع گفتند، از گردستان قهرمان و از مبارزات
خلق تجلیل کردند و شعرهای انقلابی خواندند.
دانش آموزان سرود سردادند. شریعت -
رضوی، قندی و بزرگ نیات را خواندند که در

نامشان خون سرخ تمامی شهیدان دانشگاه
متبلور است. آنان که سرفرازان در مبارزه
با امیربا لیسم و دیکتاتوری رژیم وابسته شاه
خاش، خون خویش را به پیشگاه خلق قهرمان
ایران هدیه کردند، و پس از سرنگونی سلطنت
جبار پهلوی، از آنجا که آتش عشق به خلق
در سینه پرا زورشان شعله می کشد، از مبارزه
با ارتجاع و ضد خلق دست برنداشته و در این

راه به شهادت رسیدند. **ناجی توفیق** این که در
سنگرمبارزات کارگران **شهید توفیق** این خویش
پیوند کارگردان دانشجو **میرزا**، احسن نا هید -
ها، شهریارنا هیدها و میرنگاری ها که بجرم
دفاع از آرمانهای خلق، شهید شدند... دهها
و دهها دانشجوی شهید که نامشان در سینه خلق
حک میشود و خاطره شان قلب مبارزان را بر سرتر
از آرزو و شور انقلابی میمازد. درود! هرود!

بیایم نیز از زوسی کارگران سیکار خوانده
شد. کارگران آگاه مبارزات ضد امیربا لیستی
دانشجویان را به عنوان متحدان خویش ارج
می نهند. مراتب با بیان بیگمروتا همپاشی
سوی دانشگاه **شهران** آغاز میشود.

صوف بهم فشرده را همپایان، موج -
زنان برسینه خیابان می لغزد و بیایم تمام
شهیدان را **بهمراه** می آورد.
"خون شهیدان خلق میدهد این بیایم: مرگ بر
آمریکا، مرگ بر ارتجاع!"

پلاکاردها بر فراز جمعیت آویخته است.
شعارها امیربا لیسم و ارتجاع را هدف قرار
داده است:

"مرگ بر آمریکا، دشمن اصلی ما"

اساسی را مترقی میدانند چرا که خواهان قطع
سلطه امیربا لیسم آمریکا نیست.

ادامه دارد...

(نظیر فروهر، سحابی، بازرگان) و نه
لیبرالهایی که در قدرت سهم ندارند (نظیر
آیت الله شریعتداری و جبهه ملی...) هیچ -
کدام از نادیده گرفته شدن حقوق خلقها، به
رسمیت شناخته شدن سرمایه داری وابسته،
پایمال کردن حق اعتصاب برای کارگران و
محدود نکردن مالکیت بزرگ و... حرف نمی -
زنند و نمی توانند هم بزنند چرا که آنها اساساً
بر ضد زحمتکشان و منافع آنان هستند. آنها
که در قدرت سهم دارند: ترا برای "نظم" برای
نوسازی سیستم سرمایه داری وابسته ایران یا
اعمال دیکتاتوری خود و یا نشان لازم میدانند و
آنها که در قدرت سهم نیستند: از اینکه بیایم
موانعی نظیر ولایت فقیه، و با قدرت دادن بیش
از حد به آیت الله خمینی، که باعث میشود که
اینها با قدرت دست پیدا نکنند راضی اند و
تنها مخالف "انحطاط طلبی" قدرتمندان هستند
ولا غیر. بنابراین هر دو فقط و فقط بخود فکر
میکند و به منافع بورژوازی خود.

رویزبونیستها و قانون اساسی

الف: موضعگیری رویزبونیستهای
سه جبهائی:

آنها با عنوان ساختن نظامی سه
عنوان نهاد "عمده" یعنی نهاد خلق با امیربا -
لیسم بویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و "تمیاز"
قرار دادن آن میگویند:

"قانون اساسی جدید مترقی" است (اعلامیه
سه سازمان رویزبونیست سه جبهائی - سازمان
انقلابی و شرکا - در تاریخ ۵۸/۹/۵)

آری، از نظر آنان باید هم این قانون
"مترقی" باشد چرا که آنان اردوون سرداب
رویزبونیستی خود حرف میزنند و نمیتوانند
تکوه و خروش خلق ما را بر علیه امیربا لیسم
آمریکا ببینند بلکه آنها از دیدن این مبارزه
افزوده خاطر نیز میسوزد! چرا که آنها سه
ضرر رویزبونیستهای حاکم برجین میدانند!

آنان اردوون نهاد خلق ما با امیربا -
لیسم آمریکا عاجز هستند و به همین خاطر آنها
نه فقط از اینکه قانون اساسی "خبرگان" از
دشمن اصلی خلقهای ما یعنی امیربا لیسم
آمریکا اسمی نیز نبرند ناراحت نیستند،

بلکه قلباً راضی نیز هستند، آنها نه فقط از
اینکه این قانون خواهان قطع سلطه امیر -
با لیسم آمریکا نیست، ناراحت نیستند بلکه
لبخند رضایت نیز بر لبان خود دارند، چرا که

از نظر آنان باقی ماندن و ادامه سلطه
امیربا لیسم آمریکا، ساختار جلوگیری از نفوذ
شوروی نه فقط بد نیست بلکه بسیار خوب نیز
هست آنان بین خود توده های زحمتکش و خلق -
های بیباخ خواسته ایران که تنها با اتکا بر
آنها میتوان ضمن قطع سلطه امیربا لیسم

آمریکا مانع از نفوذ و حاکمیت سوسیال امیر -
با لیسم روس بر ایران گردید، را بطش ای
نمی بینند. بنا بر این حاضرند با نهاد انقلاب
و با هرگونه نهاد ارتجاعی که نسبت به سوسیال -
امیربا لیسم روس گرایش نداشته باشد بند و
بست کنند. در این راه است که آنان به
خلقهای ما پشت کرده اند، بر جلادی خلق کرد
مهربان شد میزنند، چرا که "حزب دموکرات" جز
یکی از نیروهای سیاسی گردستان است، قانون

صف واحد، اتحاد دارند! می دهد:

"اتحاد، اتحاد، علیه امیربا لیسم"

قربانها، دانشجو دانش آموز مبارزه
سوی کارگران و زحمتکشان فرا میخواند، آنها
که نیروی لازمال خلق نهفته است:

"دانشجو، محصل پیش بسوی پیوند با مردم
زحمتکش!" "دانشجو، محصل پیوند با زحمتکش
پیوند با زحمتکش!"

فرا فرا ز قریبا مبارزه است و سینه ها

لیبریز از شوق:

"سرما به او بسته بدست زحمتکشان ملی باید
گردد!"

تک مداهائی از گوشه و کنار سعی میکنند

این قویا دم متحدان را بکنند، اما موفق نمی -
شوند. جمعیت در پی راه مبارزه شوق به صف می -
نگردند و همپایان همچنان به پیش میروند:

"قانون اساسی خبرگان، زنجیر است بیای زحمت -
کشان"، "مقرروست، استمنا در درون خبرگان،
همچنان با بر جاست"

آری، تنها کسانی بواقع ضد امیربا لیست

هستند که در کنار زحمتکشان قرار دارند و نه
در مقابل آنان:

"کرد، عرب، ترکمن، مبارزان واقعی علیه امیربا لیسم
"صبا دا نزلی، خلق دلاور کرد، مبارز واقعی علیه
امیربا لیسم"

تنها نیروی خلق است که بیگمروتا مبارزه
ضد امیربا لیستی را پیش می راند، چرا که
رها نشی او در قیدنا بودی این غول جها خنخوار
است:

"با زگشت شاهان، اعدا ما هاشان، کوچکترین
خواست خلق"، "مهمترین خواست خلق، نابودی
آمریکا، نابودی ارتجاع"

صف به دانشگاه نزدیک میشود، شعسار
همیشه برخورد دانشجویان فرا را بر میزند:

"اتحاد، مبارزه، پیروزی"

خیابان میلرزد، صف طولانی را همپایان -
بان وارد دانشگاه، این سنگر آزادی میشود.
قربان "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، همچنان بلند
است.

راه همپایان به دانشگاه فنی میرسند،
آنجا که خون اولین شهیدان دانشجو گلگونش
کرده بود. پس از آرزو دانشگاه هرگز آرام نبوده
است. هر سال دانشجویان شهید شدند، بیچنگ
با واک افتادند، ولی از مبارزه روی بر نیست -
فتند. و اینک، جمعیت در درگاهها دانشگاه فنی،

بیایم تمام می آنان، ویتما می شهدای دانشجو
درود می فرستد. ما همه این شعله های سرکش
درود می فرستیم، با دشان گرامی ما!

بقیه از صفحه ۲

به مناسبت ...

وسای مشکل می شدند. کمیته ایالتی حزب توده که در فروردین ۱۳۲۱ شروع به فعالیت کرد، سازمانی که تشکیلات فرقه دموکرات ایران رسماً تعالیت خود را آغاز کرد (۱۲ شهریور ۱۳۲۴) تنها تشکیلات سیاسی بود که جنس دهقانان و زحمتکاران کثرت آن در ایران را رهبری میکرد. زحمتکاران زیر فشار طاقت فرسای زندگی سرکوب و حیسانه هشتت خاکمه به حزب توده روی می آوردند. ولی حزب توده و رهبری ایپورتونیست آن حزبی نبود که بتواند این سبب خروشان توده ها را رهبری کند. رهبران حزب توده بهیچ روی انقلاب اجتماعی را پیش روی خود نمی گذاردند. این سازمانگران جوانیکه از جمله، اوباش و جاسان به سازمان های حزب خود جرح و کشتار را عملاً و هواداران و زحمتکاران ناله و زاری کنند هیچ کاری جز ناله نگاری به این وان انجام نمی دادند. این مسئله وجود یک موقعیت انقلابی برای یک قیام توده ای مبارزان و آزادخواهان آذربایجان را بر آن داشت که تشکیلات مستقلی برای خود بپوشد و رتد و انقلاب اجتماعی را با هدف سرنگونی ارتجاع و امپریالیسم در دستور روز گذارند. نشان گذار این حرکت انقلابی سدحفریته وری کمونیست انقلابی و فرزند خلف آذربایجان بود. پیشه وری از مبارزان دلیر آذربایجان بود که دوران کودکی خود را در رنج و مصیبت فراوان سیری کرده و در ۱۲ سالگی به قیام مبارزانه حزب کرده بود. او در مبارزات انقلابی روسیه عملاً شرکت کرده بود. سپس به تهران آمده و برای مرکزی اتحادیه کارگران را بوجود آورد. در نهایت متکلیت ترک کرده و سالارخه در سال ۱۳۰۹ بوسله، ما موران رفا شاه دستگیر و محکوم گردیدند. پس از آن بیشه - وری تا سال ۱۳۲۰ و سقوط رفا شاه و انقصال ایران توسط متفقین عمر خود را در زندانهای اسناد گذراند.

سدحفریته وری به مقدم در راه متکلیت فرقه دموکرات آذربایجان بود. تشکیل فرقه بدون اطلاع حزب توده و تنها با صلاحیت دولتی و سوری انجام گرفت. موسسین فرقه معتقد بودند که حزب توده تشکیلاتی است با رفا شاه - رسمی گذار آن برای انجام انقلاب و حصول اجتماعی کاری ساختن نسبت در حالیکه فرقه

(۱) - گذشتند چراغ راه آینده است " ، بغفل مولیهای صحاح آمده به منظور عمده ارهمنس مبلغ گرفته شده است .
(۲) - بخاطر آنکه انقلاب تورواد دموکراتیک منهن ما علیرغم ۷۰ سال تلاش سیاسی بنمیر نرسیده است ، امروز هم همان حق کشتار و جفا - با تدریس و زاری بنمیر . برای مثال فاسون اساسی "حمرکان" حقوقی پلیس ها را میکشود و دولت جمهوری اسلامی هم بدست آقای حمران و مثال او اینس فتوایهای کرد و بلوچ اطلحه یحیی میکشد تا لاند از "انقلاب" (؟) دفاع نمایند!
(۳) - آذربایجان ، شماره ۱، ۱۴/۶/۲۴ (شکل از گذشته چراغ راه آینده")

(۴) - همان ما حد ، بغفل از (آذربایجان ، شماره ۱ مورخه ۱۷/۶/۲۴)

(۵) - همان ما حد ، بغفل از (آذربایجان ، شماره ۱ مورخه ۲۴/۶/۲۴)

دموکرات وظیفه، خود را انقلاب ملی و دمکراتیک قرار داده بود.

همانطور که اشاره کردیم ، جنس دموکراتیک آذربایجان علیرغم غارتها و کشتارها و تبعید - ها به پیش می ناخت . سپاهیان عظیم آزادی فریاد می زدند " باید دولت آزاد بخواه و بختیبا دموکراسی در ایران بر سر کار آید ، ملت ایران با بدجا کم بر سر نشت خود با شد . " زحمتکاران می خواستند آزادی آذربایجان با یکا هی برای آزادی سراسر ایران باشد. آنها چه در قیام دلیرانه ، خود در صدر مشروطیت برهبری ستارخان و چه در قیام دیگر خود برهبری شیخ محمد خیابانی نشان داده بودند که آذربایجان قلب بر پیش انقلاب دموکراتیک و ضدا امپریالیستی ایران است و فرقه دموکرات نیز در آغاز امر

فرقه ما به تمام معنی فرقه ای است ملی - بدین ترتیب بود که فرقه دموکرات ایران جریانی شد که بجای آنکه متکی به دهقانان و زحمتکاران آذربایجان باشد در دست سوز و زاری و خرده سوز و زاری قرار گرفت و این طبقات مواضع مهمی را در تشکیلات فرقه اشغال کرده و در موقع خود بیشترین ضربه را به جنس دموکراتیک آذربایجان وارد آوردند . مرا مناسبت احزافات اساسی آنرا نشان میداد . در بند ۷ مرا مناسبت آمده بود " موسسین فرقه دموکرات آذربایجان بخوبی میدانند که نیروی مولد ثروت و قدرت اقتصادی با زوری توانای دهقانان است . لذا این فرقه نمی تواند جنسیتی را که در میان دهقانان بوجود آمده مانده دیده بگیرد . از این لحاظ فرقه می خواهد که در کده برای نامیسن

● جنس دموکراتیک آذربایجان و تشکیل حکومت ملی ، خلقهای سراسر کشور را به هیجان در آورد . همه به حق منتظر بودند که حکومت ملی بسیج نظامی داده و برای سرنگون کردن حکومت تهران حرکت کند . شکی نبود که اوضاع انقلابی در سراسر کشور موجود بود و زمان برای تصفیه حساب با ارتجاع و امپریالیسم فرارسید بود . ولی این انتظار بیبوده بود زیرا فرصت - طلبانی که بقدرت رسید میبندند ، دیگر منافع خود را تا مین یافته میدیدند . سوز و زاری که در قدرت فرار گرفتند ، مانع از حرکت قاطع و انقلابی خلق مسلح برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی شد بود .

احتیاجات دهقانان قدمهای اساسی بردارد . مخصوصاً تعیین حدود مشخص زمین آریان و دهقانان و جلوگیری از مالباختنهای غیر قانونی که بوسیله ، بعضی از آریانان اختراع شده یکی از وظایف فوری فرقه ، دموکرات است . فرقه می خواهد که در این مسئله به تکلی حل شود که هم دهقانان را می شود و هم مالکین به آسوده خود اطمینان پیدا کرده و با علاقه و رغبت در آبادیها خشن ده و کشور خود بکوشند . زمینهای خالصه و زمینهای متعلق به آریانان که آذربایجان را ترک کرده و فرار اختیار نموده اند و محصول دسترنج خلق آذربایجان را در تهران و سایر شهرها به مصرف می رسانند چنانچه بزودی مزاحمت نمایند ، بنظر فرقه دموکرات با بدندان قید و شرط در اختیار دهقانان قرار گیرد " و " اختلاف موجود بین دهقانان و آریانان از طریق صلح و سازش حل نمیشود " (۴) و " کارگران و کارفرمایان دست بدست هم دهند و همه طبقات از هرگونه مبارزه طبقاتی انصراف حاصل کنند زیرا مبارزه طبقاتی پیش از گرفتن آزادی میسر نخواهد بود . اول ملت با بدحق و احتیاجات سوسی خود را بدست آورد ، بعد در اطراف کم و کسر آن مبارزه کند " (۵) . بهر حال فرقه دموکرات با در پیش گذاشتن برنامهای که منافع سوز و زاری ملی - لیبرال ایران را تا مین میکشد عملاً دچار انحرافات بزرگی شد و وجود همین انحرافات یعنی جدا کردن مبارزه ملی از مبارزه طبقاتی بود که فرقه را به سارنگاری کثرت و آخر سر با یورش ارتجاع حاصل قیام نموده ها پایمال گردید . ادامه دارد ...

که سازمان و عناصر وابسته به سوز و زاری هنوز در درون آن رخنه نگرفته بودند از زبان بیشتر وری اعلام میکرد :

" ما هیچ وجه در صد تخریب نیستیم . ما می خواهیم که در حدود سرحدات ایران ... در کارهای داخلی خود مختار باشیم . " در مصفاات آینده به اختصار نشان خواهیم داد که فرقه دموکرات بخاطر ضعفهای درونی خود و انحرافات که در آن وجود داشت نه تنها نتوانست به اهداف خود در زحمتکش کشته اکثریت آنرا در دهقانان تشکیل می دادند . حاشا ، عمل بیوفاوندلیک در چهار چوب هدفهای محدود ملی همگام گردیدند - امری که ناگزیر بود و هست .

گاهی به نظرات فرقه دموکرات اولس بیانیه فرقه دموکرات در ۱۴ تهر - بورما ۱۳۲۴ که حاوی نظرات اساسی موسسین آن بود استنار یافت . پس از چند کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان که ۶ هزار عمود است بدون اجازه ، کمیته مرکزی حزب ، جدائی خود را از حزب توده اعلام داشته و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوست .

سایه فرقه و عملکردهای سعدی آن نشان از انحرافات قابل ملاحظه ای بود که زهبران آن داشتند . بنظر موسسین فرقه ، مبارزه ملی مساوی بود جدا از مبارزه طبقاتی باشد : " فرقه ما فرقه ای است ملی و لذا بدون در نظر گرفتن طبقات ، عموم جاعت را بر سر برجم خود قرار می خواند . " (۳) و " راه ما کلاً درست و روش است : ما در فکر مبارزه طبقاتی نیستیم



قطع دست کارگر، در جامعه سرمایه داری ...

دستهای توانای کارگران سرمایه -
 هامی آفرینند. اما تنها سرمایه، کارگزاران
 است. آنگاه که کارگری در جامعه سرمایه داری
 دستهایش را از دست بدهد، برای او معنی از
 دست دادن وسیله، زندگی، ازدست دادن نان و
 آب، معنی فقر و سیه روزی و در یک کلام معنی
 نابودی است. روز شنبه ۵۸/۹/۳ در کارخانه
 ری، او، او، او، حدود ساعت ۱۰ صبح فریادهای
 دلخراشی کارگران را از جاکنده و سراسیمه به
 قسمت فوطی ساری کشانید. آنجا، دست کارگری
 زیر غلطک مانده و له شده بود. چنان تما می
 کارگران به دست خویش رفیقان دوخته شده
 بود. و یک فکری صاحب درمغزتان منجرید و
 آزارتان میداد: هر یک از آنها می باید منتظر
 چنین سرنوشتی باشد. یکی از کارگران فکری
 را بیان کرد: "این نه اولین بار است و نه آخرین
 بار. فردا سوت کیمت؟" تنها آمبولانس کار -
 آنه کارگرد دیگری را به بیمارستان برده بود.
 تنها سرمایه دار است که کشتن نمی گردد -
 کارگری برای او مانند "سوار" است. و آنچه باکی
 دارد که به آسانی این ابزار را قوی را با ابزار
 سالمی عوض کند؟ خیل سکاران پشت درهای
 کارخانه خال او را از بافت گمشدگان رگزاران
 کرده است. کارگر هم امیر با خوبی میداند.
 در بیمارستان، زمانی که کارگر مدوم بهیوت
 می آید. اولن سختی که بر زبان می آورد این
 است: "دستم را قطع میکنند؟ پس تکلیف زن و
 بچام چه میشود؟" آری، او در غم از دست دادن
 دستش نیست. نگران تا مین معاش است. آخر
 در جامعه ای که منسولها انسان با دستهای سالم

بیکارند، کارگری با دستهای ناقص چه تضمینی
 میتواند داشته باشد؟
 این واقعیت کشفی جامعه سرمایه داری
 است. و این فحایع تا زمانی که کارگران هم -
 چون ابزار در خدمت سرمایه داران و حکومت -
 های حامی سرمایه قرار بگیرند، همواره تکرار
 خواهد شد. تنها زمانی (حادثه)، جامعه نخواهد
 بود (بدلیل وجود امکانات کافی، وسایل ایمنی و
 تامین بودن زندگی خانواده کارگر حادثه دیده)
 که کارگران خود قدرت را در دست بگیرند و
 حکومت زحمتکشان را برپا کنند. آنگاه زندگی
 تمامی کارگران و زحمتکشان جامعه، تضمین
 خواهد شد. و اکنون، کارگران با دولتی ضد
 انقلابی و روبرو هستند که مبارزات آنان را بر سر
 علیه ظلم و ستم سرمایه داران، عملی "ضد
 انقلابی" میخواند و حتی برای اعتصاب ۲ تا ۱۰
 سال زندان تعیین میکند. در مقابل چنین حق -
 کشیهای کارگران با بد خود دست بکار شوند -
 و ذره ذره حقوقشان را از حقوق سرمایه داران
 بیرون بکشند. حق بیمه بیکاری، یکی از این
 حقوق ابتدائی کارگران است که زحمتکشان
 جامعه ما از آن محروم اند. کارگران با گرفتن
 هر یک از حقوق خویش سرمایه داران را وادار به
 عقب نشینی میکنند. علاوه بر آن از مبارزه خود
 تجربه می آموزند و در بر توجو تبار خود و آگاهی
 متشکل ترمی شوند. و برای نابودی نهائی
 استثمار به پیش می روند.

مهمترین سلاح کارگران در این
 مبارزه حیاتی، وحدت و تشکیلات است.

پیروزی کارکنان شرکتهای حفاری و خدمات جنبی

کارکنان مبارز شرکتهای حفاری و خدمات
 جنبی که با خواستههای ایجاد شرکت ملی حفاری
 ایران و استفاده کلیه ۴۵۰۰ پرسنل شرکتهای
 حفاری و خدمات جنبی در شرکت ملی حفاری و
 جلوگیری از خروج دکلها و لوازم بادی حفاری
 از ایران، از روز یکشنبه ۲۷ آبان در محفل
 اداره مرکزی شرکت نفت دست به تحمسن زده
 بودند. همچنان به مبارزه پیروز مند خود ادامه
 داده و در محل اداره مرکزی تحمسن داشتند.

روز پنجشنبه اول آذر کارکنان متحصن
 پنجمین و ششمین بیانیه خود را صادر کردند. در
 پنجمین بیانیه از عدم شکاس خواسته های حق -
 طلبانه خود که در مسیر واقعی مبارزات ضد
 امپریالیستی توده هاست، از وسایل ارتباط
 جمعی انتقاد کرده و خواهان پشتیبانی نیرو -
 های انقلابی شده بودند.

در ششمین بیانیه کارکنان حفاری ضمن
 اشاره به اخراج کارکنان زحمتکش شرکتها -
 لیبرتون این اقدام رایک عمل امپریالیستی
 به منظور پراکنده کردن تخصص های فنی صنعت
 حفاری برای زمینه سازی بازگشت مجدد کار -
 شناسان و باسوسان خارجی قلمداد کرده و آن
 را اقدامی از طرف دشمنان مردم دانسته بودند.
 در این بیانیه ضمن تاکید بر سختی کردن کلیه
 توطئه های عوامل امپریالیسم جهانخواه توسط
 نیروها و اشرار نقلی با رد دیگر خواهان
 پشتیبانی نیروهای انقلابی شده بودند. لازم
 به تذکرات که در محسوحه تحمسن و مبارزات کار -
 کنان حفاری، از طرف شرکت های لیبرتون کلیه
 کارکنان اخراج شده و حکم اخراج آنها در
 روزهای آخربان صادر شده بود.

روز یکشنبه چهارم آذر هیئت از طرف
 وزارت نفت برای مذاکره به هواز وارد شد.
 دوشن از اعضای هیئت اعزامی از تهران، بنام
 مهدوی و نظرنیا از چهره های شناخته شده و
 مغرور صنعت نفت هستند. مهدوی کسی است که
 در موقع خروج دکلهای حفاری شرکت آمریکا
 "سانتافه" امضای او پای او را ق خروج قسمرار
 گرفته است. همچنین نظرنیا در طی مدتی که
 از طرف شرکت نفت سرپرستی شرکت حفاری سد -
 کو- سدابیران را بعهده داشت بخوبی ماهیت
 ضد کارگری خود را نشان داده بود.

روز سه شنبه ششم آذر ساعت ۱۲ هیئت
 اعزامی به منظور مذاکره با نمایندگان شورای
 کارکنان به محل اداره مرکزی شرکت نفت
 (محل تحمسن) آمدند و تا ساعت ۵ بعد از ظهر با
 نمایندگان به مذاکره پرداختند.

بعد از مذاکرات، نمایندگان کارکنان
 و هیئت اعزامی در ج کارکنان متحصن حاضر
 شده و آنگاه نمایندگان اعلام کردند که پس از
 ساعتها بحث به توافقهایی با هیئت اعزامی
 رسیده اند و سپس متن توافقنامه قرائت شد.

کارگران بیکار بدون توجه به تهدید پاسداران راهپیمایی کردند

کامیاران

با وجودیکه سرمایه داران مستقر در
 کامیاران ضمن صدور اعلامیه ای مردم را تهدید
 کرده بودند که هرگونه اعتصاب، تحمسن و راه -
 پیمائی را با شدیدترین وجهی سرکوب خواهند
 کرد، ولی کارگران بیکار این شهرستان در
 تاریخ ۵۸/۸/۲۶ بدون توجه به تهدید پاسداران
 سرمایه، دست به تظاهرات بردند. حمایت مردم
 مبارز کامیاران از این تظاهرات جدی بود که
 با شعاران حرارت نکرده آن حمله کنند. در
 پایان تظاهرات قطننامه کارگران بیکار
 خوانده شد که در زیر خلاصه چند بند آن را ملاحظه
 می کنید:

- ۱- ایجاد کار برای کلیه بیکاران
- ۲- پرداخت حق بیمه بیکاری
- ۳- ایجاد کارخانه در شهرهای کوچک
- ۴- پشتیبانی از معاهدات مع ۸ ماده ای
 میان ما و سوئدج.

۵- پشتیبانی از خواسته های مردم مس -
 کارمیان (تامین آب، برق، بهداشت،
 مسکن و ...)

۶- تقسیم زمینهای مزرعی فئودالهای مرتجع
 منطقه بین دهقانان زحمتکش، بخصوص
 زمینهای روستای الک و ماراب که توسط
 دولت ضبط شده است. (۳)

۷- محکوم نمودن سرکوب مبارزات کارگران
 و زحمتکشان خصوصاً سرکوب مبارزات ماهی -
 گیران انزلی و خلیج های عرب، ترکمن و
 کرد.

تظلمهرکنندگان اعلام کردند که اگر پس
 از یک هفته به خواسته های آنها رسیدگی نشود در
 بختداری کامیاران تحمسن خواهد کرد.

۳- لازم به تذکرات که زمینهای روستاهای
 الک و ماراب در زمان رژیم مغرور بیلوی توسط
 خود دهقانان زحمتکش مصادره شده بود اما ارتجاع
 در بورژوازی بیکار راه انداخته گردستان زمینهای
 این دو آبادی را ارتکاران و زرگان پس گرفت.

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

روز سه‌شنبه ششم آذر قبل از مذاکرات هیئت اعزامی با نمایندگان شورای کارکنان حفاری و خدمات جنسی اطلاعاتی از طرف هیئت تحت عنوان "هیئت تشکیل و تجهیز شرکت ملی حفاری ایران" صادر شده و ضمن آن از مقدمات تشکیل شرکت ملی حفاری صحبت شده و سپس تشکیل هیئت ما مورسیدگی به موافق خدمت و انجام امور استخدام را به منظور جذب کارکنان بیما بکاران حفاری و شرکتیهای سرویس دهنده حفاری در صنعت نفت که تا قبل از بیروزی انقلاب در آن شرکتها اشتغال نگار داشته اند، اعلام داشته بود و از کارکنان شرکتیهای حفاری و سرویس دهنده دعوت شده بود که از تاریخ چهارشنبه ۷ آذر ماه برای ثبت نام مراجعه کنند. و شروع رسمی اشتغال بکار از اول دی ماه ۵۸ اعلام شده بود.

موجب این توافقنامه که متعاقباً متن اطلاعیه شماره ۱۰ هیئت اعزامی که قبل از مذاکره صادر شده بود، مذاکرات کلیه کارکنان شرکتیهای حفاری و سرویس دهنده از صبح چهارشنبه ۷ آذر به استخدام رسمی وزارت نفت در می آید و از اول دیماه ۵۸ در لیست دریافت کنندگان حقوق قرار می گیرند. به موجب این توافقنامه کلیه کارکنان ابتدا به استخدام وزارت نفت در می آید. و بعداً تعداد مورد نیاز شرکت ملی حفاری از بین آنها انتخاب شده و بقیه در بخشهای مختلف وزارت نفت به کارگزاران مینوبند. این توافقنامه تشکیل شرکت ملی حفاری ایران به صراحت اعلام نشده و جزویکی از مواد الحاقی، قطعاً نیست. همچنین یکی از خواسته های مهم کارکنان مبارز حفاری یعنی "طلوگری از خروج کلیه دستکهای حفاری و لوازم بیدگی و وسایل شرکتها" هیچ گونه اشاره ای نشده است. آنچه که از متن توافقنامه منظر میرسد تنها با یکی از خواسته های کارکنان مبارز حفاری یعنی "استخدام رسمی کارکنان در شرکت نفت" آنها هم بصورتیکه توافقنامه در حرف و بسودن بسوا نه. موافقت نده است و عملاً نسبت به دو خواسته اساسی دیگر یعنی ایجاد "شرکت ملی حفاری" و "طلوگری از خروج دکلهای" توجهی نشده است.

سعداقران توافقنامه. کارگزاران عکس العملهای متعاقباً صورت گرفته روزی در دادگاه اراک کارکنان اراک که قول استخدام داده شده است را بی نظمی رسیدند. اما عده ای از کارکنان که معتمد بودند که چون این توافقنامه هیچگونه ضمانت اجرایی ندارد و آنجا که شکایت در توافقنامه هیچگونه اشاره ای به مداره اموال ترکینان نشده است. و ممکن است اموال ترکینهای آمریکایی برای آنها پس فرستاده شود. و آنجا که اساساً منحص نیست که شرکت بکلیه ۴۵۰۰ نفر پرسنل شرکتیهای حفاری و خدمات جنسی را استخدام کند. با این دادن بدینصورت که درستی نیست. اما شورای کارکنان تصمیم گرفت که

صبح روز چهارشنبه ۷ آذر به شخص حاضر شده. صبح روز چهارشنبه ۷ آذر کارکنان در محل شخص اجتماع کردند و قطعاً ماهی فراوان شد که در آن اشاره شده بود ترک شخص به منزله با این مبارزه نیست بلکه صرفاً ایجاد موقعیتی می باشد تا مشخص شود که هیئت اعزامی تا چه حد قصد انجام کار دارد و کارکنان آمادگی دارند که با هر نوع کارشکنی در آینده مقابله کنند.

علیرغم عدم موضعگیری صریح هیئت اعزامی در باره تأسیس شرکت ملی حفاری و عدم پاسخ به خواسته مهم کارکنان مبنی بر جلوگیری از خروج دکلهای حفاری و تنها موافقت هیئت اعزامی با یکی از خواسته های کارکنان یعنی استخدام رسمی کارکنان در صنعت نفت. با این وجود کارکنان مبارز شرکتیهای حفاری و سرویس دهنده، توانستند در پیمان اتحاد و همستگی خود و تعداد مبارزه خودشان بیک بیروزی نسبی دست یابند. اما در عین حال باید گوشزد شود که هنوز نسبت به اساسی ترین خواسته های کارکنان پاسخ صریحی داده نشده

و تازه تنها عقب نشینی مقامات حاکم یعنی استخدام کارکنان هم هنوز دارای تضمین و بستوانه عملی نیست و همچنانکه کارکنان آگاه خود به این مسئله واقف هستند. هیچ گونه تضمینی وجود ندارد که مقامات حاکم به این قول و قرار خود بطور کامل جامه عمل ببوشانند. این امر مسئله دور از ذهنی نیست و مقامات حاکم تا کجای با رها و با رها سازی. ترس و عده و وعده های خود را بر سر آنها دهنده قول و قرار خود بیست یازده اند. و این بار نیز همچنانکه قبلاً تریه به وعده خود در باره تشکیل شرکت ملی حفاری ثبت یازد، مقامات حاکم ممکن است به این حداقل توافقی خود سر بیست. با بزنند. و طیفه کارکنان آگاه و مبارز شرکتیهای حفاری است که با ارفاق آگاهی و تشکیل کارکنان مبارز. آنان را برای مقابله با هر نوع توطئه و فریبکاری مقامات مسئول آماده نگه دارند.

بیروزی دستاویزات کارکنان شرکتیهای حفاری و خدمات جنسی

مبارزه برای رسمی شدن ادامه خواهد یافت

یک گام ازده گام! - آبادان -

بر انجام کارکنان اداره ساختمانسی و عملیات غیر صنعتی شرکت نفت که از روز ۲۲ آبان بخاطر عدم رسیدگی مسئولان امور به خواسته های بحق خود و عدم پرداخت حقوق تعطیلی بنحشینه. هادست به یک اعتصاب همگانی زده بودند. در تاریخ سوم آذر ماه پس از بازگشت نمایندگان. شان از شهران که موفق شده بودند معین فر را به اجرای بخش ناجری از خواسته هایشان وادار کنند. بمرگبار آژکتند.

اگرچه نتیجه ملموس این اعتصاب ۳۱ روزه. تحقق بخش با چیز محدودی از خواسته های حق طلبانه کارکنان است. (از اول فروردین ماه ۵۹ هما بند هر آنچه کارکنان شرکت نفت جیره جنسی دریافت می دارند... و حق خرید از شرکتیهای تعاونی... و هزینه مسکن نیز از اول آذر ماه ۵۸ معادل هزینه مسکن کارکنان شرکتی... سفار از دستور العمل معین فر) اما این اعتصاب تحریکات مثبتی برای کارکنان داشت. کارکنان مبارز در طول

اعتصاب با بحث هایی که در بین خود داشتند و با جمع بندی از عملکرد دولت سرما به داران و با توجه به برپا گذاشتن توافقی نامه خرداد ماه توسط «امان قلابی مستضعفان؟! هر چه بیشتر به ما هیت استعمارگرانه و مدخلقی رژیم حاکم پی بردند. و از همین روست دستور العمل فعلی معین فر هم با دیده تردید می نگردند.

درس دیگری که کارکنان در این مدت و در طول اعتصاب حق طلبانه خود گرفتند. این بود که به تنهایی نخواهند توانست به حسی استثنائی و اولیه خود (رسمی شدن) دست یابند و به همین دلیل کوشش کردند تا دیگر کارکنان بیما نیز صنعت نفت آبادان را به اعتصاب فراخوانند. اما متأسفانه علیرغم اینکه سخن دیگری از کارکنان را می توانست بیما سی (شرکت رمینگو) با خواسته های محدوداً مناسب دست به اعتصاب زده بودند. هیچگونه همکاری و وحدت عمل مشخصی در بین این دو بخش را رعایت نمی نمودند. اعتصابیون حاصل نشد. مستحکم با دستاویزات کارکنان بیما نیز

بقیه از صفحه ۷
میهمان صورت گرفته و خواهد گرفت و بر کلیه سازمانها و گروههای انقلابی و مبارزان است که در ادامه یافتن و بالا رفتن سطح این دوره سوس و امیدوارکننده. مبارزان. دهقانان میهن ما را یاری دهند.
★ ★ ★
بعلت کمبود جا. شرح مبارزات دهقانان مبارز "شهرم کلا". "علی آباد". "انبارده" و "جنکار" و همچنین مبارزه دهقانان بی زمین روستای "کمانگیر کلا" دست سر را در شماره بعد خواهیم آورد.

دبیرستان فردوسی (تهران)
روز چهارشنبه ۵۸/۹/۷ بدینال پیاره کردن اعلامیه ها و بیوسترهای موجود در مدرسه توسط سه دانش آردانش آموزان تحریک شده دانش آموزان دبیرستان ضمن برپائی اجتماعی سبقت به این عمل غیرانسانی اعتراض کردند. دانش آموزان ضمن افشای ماهیت کسانی که بدینگونه اعمال دست می زنند. خواستار محاکمه. دانش آموزی منطق. دبیرانر کلیه دانش آموزان شدند. مسئولان دبیرستان قول دادند که این کار سعد ابریکراری فرسودوم اجرا خواهد شد.

نان، مسکن، آزادی

اعلامیه عده‌ای از زندانیان سیاسی :

خلق قهرمان ایران!

چندی پیش مطالبی در مورد کار دادگاه‌ها و محاکم شروع و تیزمسائل درونی زندانیان در جرایم دروسا نه‌ای خبری کشور درج شد، از آنجا - شیکه گزارشات مندرج در روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون سا نسورزده رژیم حاکم در مورد زندانیان و دادگاه‌های دولت جمهوری اسلامی - کاملاً تحریف آمیز میباشند و هیچوجه نشان - دهنده، واقعیت‌های حاکم بر زندانیان و دادگاه‌ها نیست بخصوص که خبرنگاران و گزارشگران عمدتاً به تهیه گزارش از وضع محرمین رژیم گذشته پرداخته اند که به لطف دادگاه‌های انقلاب هر روز وسیله رفاه بیشتر و خوشحالی جدیدتری شامل خالشان میشود، لذا ما برای آگاهی خلق قهرمان ایران به افتخار کوشش‌های از اعمال رژیم که در مورد زندانیان سیاسی و مبارزین انقلابی صورت میگیرد، می پردازیم تا از این رهگذر سوره‌های انقلابی خلفان را ارسطو پنهان‌هایی که اعمال رژیم حاکم بدان دست می‌نزدند اطلاع یابیم و از مسئولیت خطیری که در دفاع از اسیران زندان آزاد، خلق بعهده -

تان محول میسازد هتدار دهیم .
اعلامیه سبب به دستگیری نفی شهرام به همراه اعضاء و رهبران سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۰ انار کرده و بدستی منار را با او در زندان بر علیه مردودان رژیم شاه شاه که باعث نداد و را به ۱۰ سال زندان محکوم و حبس و سپس وی را به زندان ساری تبعید سازند در مسما رد و از فرار انقلابی وی از زندان به همراه دورقی دیگر و صریحی که اسیران فرار و همجنس برنا به برتری اعدا میسرست رسدی سور ازین کمیته مشترک ساواک و ... و سرهنگهای آمریکا که گوی سبب آزادی زندان بدان همگماست . سخن می‌گویند و با اشاره به وضع کنونی وی از سکنه‌ها بخصوص سکنجه، روانی که در حق وی اعمال می‌شود، بپرده بر می‌دارد و سپس می‌گوید :

در این مدت حتی سکا را چاره ملاقات با خانواده‌های اسیران و داداده شده است . طبق اخبار و اطلاع محل آثار و روی مدنیان در سنا و جالبه‌های متروکه زندان اوین بوده است که بدلیل شرایط مرکبا روغری بهداشتی آنها و بدلیل اعتراضات مکرر و گروههای مختلف بین المللی و از جمله نیما بندگان طیب سرح در سالهای او اخرج حکومت شاه و سکا ریزه‌چ کونه استفا ده‌ای از آنها نمی‌شده است . این سنا و جالها ، سلولهای نفس‌کونه‌ای هستند که بطور خاص برای سلب شرایط ابتدائی حیات و وارد ساختن فشار هر چه بیشتر منظور تضعیف روحیه، زندانیان ساخته شده اند . کف این سلولها نور و خاکی است و فاقد هرگونه تخمین بهداشتی لازم است . جد اقل نور بدرون این سلولها نمی‌تابد و از این رهگذر حیات زندانی ندیداً در معرض تهدید است ... البته وسعت تضییقات و رفتارهای ضد انسانی در مورد این انقلابی میهن بهیمین جا با بیان نیافته، بلکه بدستور انحصار طلبان مرتجع و انقلابی نما در همین و خشکده‌های سنگ و تارک و سبور هم برای مدتی او را بزنجیر میکشند و در تمام ساعات شبانه روز با هتار در زنجیر می‌بندند.

عوامل امپریالیسم از زندان آزاد می‌شوند!

این عامل سرسپرده، امپریالیسم آمریکا یکی از سرمایه‌داران بزرگ اواز و یکی از شرکای اصلی هیما نگاران بزرگ صنعت نفت است که از طریق ساندبازی و ارتشا، وابستگان قرار دادهای تحمیلی، میلیونها تومان پول خلقهای زحمتکش ایران را از طریق شرکت نفت بالا کشیده است . این فرد با اینهمه سابقه جنایتکارانه و ضد خلقی در دادگاه انقلاب اسلامی تنها بدو سال حبس تادیبی محکوم گردیده تا اینکه اخیراً مشمول عفو امام واقع گردید و از زندان آزاد شد . ایشان بعد از آزادی برای زیارت ولایت توبه؟! به مشهد رفته است .

سیروس نقشینه این عامل سرسپرده و کثیف امپریالیسم آمریکا زمانی آزاد میشود که دست هیئت حاکمه ضد خلقی بخون جوانان انقلابی خلقهای کرد و عرب و ... آغشته شده و گردستان این بیگانه مستحکم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مورد هجوم پانداران ضد انقلاب و ارتش ضد خلقی قرار گرفته است . سیروس نقشینه زمانی از زندان آزاد می‌شود که هیئت حاکمه فریبکار سوق و گرنای ضد امپریالیستی برآید و خود را پیش از زیارت ضد امپریالیستی خلق قلمداد نکند . با سبب برسد : " کدام را با او رکنیم، دم خسرو را یا ...

کمیته، خوزستان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و کثرت‌های تحت عنوان ضمیمه محلی پیکار در سطح خوزستان منتشر می‌کند . در زیر قسمتی از مقاله، کوتاهی را که تحت عنوان " عوامل امپریالیسم از زندان آزاد میشوند " در ضمیمه، محلی پیکار شماره ۳۱ درج شده است میخوانید :

عوامل امپریالیسم از زندان آزاد میشوند دادگاه انقلاب اسلامی اواز " سیروس نقشینه " مدیرکل سابق امور اداری شرکت سها می‌خاست خدمات نفت ایران (کترسیوم سابق)، یکی از سرسپردگان امپریالیسم آمریکا عضو سازمان فراماسونری، رئیس باشگاه لاینز اواز، معاون استاندار و عضو کمیسیون امنیت استان خوزستان را از زندان آزاد کرد . سیروس نقشینه که حساس ترین شغل اداری صنعت نفت را در جنوب در اختیار داشت، تعیین کننده خط مثنی بر سبلی صدکارگری صنعت نفت و مسئول اجرای پروژه‌های خیانت سکار امپریالیستی در صنعت نفت بود . او به هنگام اعتصاب قهرمانانه کارگران و کارمندان صنعت نفت جنوب به حکومت نظامی پیشنها دگرده بود که چیدن از اعتصابیون را اعدام کنند تا عقبه، کارکنان صنعت نفت سبب کار باز کردند .

بخش از صفحه ۱۶

ارتجاع سبوه‌های ...

بگذارید فراموش نکنم، آنوقت میدانیم چکار کنیم . (این خط و نشان کشیدن برای دیگر رفقای دانشجویی که آتش در نقاط مختلف شهر دستگیر شدند ، بی‌شکر شده است!) برانجا ما تمهید گرفتن از رفیق او را آزاد میکنند . در بیرون در کمیته رفیق دانشجویان را می‌بینیم - شوه که ظاهراً به نظر ما فرایستاده بوده ، این ما شین رفیق را با نقطه خاصی که از قبل تعیین شده بود ، میبرد و به تنها نه اینکه بیشتر از این

(۳) - پس از هفتاد هزار شهید و ۱۰۰ هزار زخمی ، همچنان باید برای حفظ مسائل امنیتی از دگرنام کمیته و جزئیات بیشتر صرف نظر کرد! شکنان باد!

طبق گفتار شهید عینی هیچگونه روزنامه و کتابی در اختیار او قرار نمی‌داده اند ، ما مورس زندان و مراقبین او سنا بدستور مسئولین امر در مواقع رفت و آمدهای چند لحظه‌ای او به دستوشی و توالیت که با سرعت و نظارت کامل انجام میگردد حتی اکسرا و از روزنامه، کهنه‌های در سبش می‌بوده . مسوری آزاد دورمی‌خاسته اند و با توجه کونه صحبتی نمی‌کنند

سین در اعلامیه از همه توده‌های انقلابی خلق و همه نیروهای انقلابی و مبارزین و سوزده انقلابیون را کست - لنینیست و همجنسین سازمان مجاهدین خلق ایران ، کانون زندانیان سیاسی - جامعه حقوقدانان و دیگر نیروهای دمکرات جامعه استناد میدود که به

مسیرون نمی‌خورد و را پیا ده میکند . در آنجا دوسفر مزدور که در پیا ده و منتظران استا ده بودند از پشت به رفیق حمله میکنند! او را بشدت زخمی میکنند . با رسیدن چند رهگذر ، مزدوران رفیق را رها کرده و فرار میکنند . با دمان هست که رژیم آریا مبری هم‌مشا به این شیوه‌ها را برای سرکوب نیروهای مترقی و انقلابیون سکا رفیمبرد (جنابیت کاروا سراسنگی یا برودن مبارزین) اما با رژیم خاش شاه با آنچه خونخواری و با وجود دستگاه عربی و طویل ساواک و دیگر نیروهای سرکوبگرش ، توانست در برابر خشم مردم قهرمان ایران تاب بیاورد؟ این مردم ، همان مردمند و امروز با آگاهی و شناختی بیشتر از نیروهای خود، بی‌شک به کمانیکه می‌کشند با فریب بار دیگر بند بردست و پایش بگذارند ، جوانی درخور خواهد داد!

حما بیت از این مبارزان سربزخیزند و ما هیئت عملگردهای فاشیستی را که نسبت به وی اعمال میشود، افشا سازند و دادا مه میخوانیم : ما معتقدیم در این مراحل خاص جامعه مان دامن زدن بیک سری مسائل درون خلقی که ناشی از ضعف‌ها و اشتباهات گذشته نیروهای انقلابی و عناصر آن‌ها که در صف انقلاب بوقوع پیوسته است بحرترقه بوده مان زدن به تفادهای دورن خلقی و مخدوش کردن صف نیروهای خلق و ضد خلق چیز دیگری را بدنبال نداد رذکه این کار هم شیوه‌ای است در دست ضد انقلاب و فرصت - طلبان و لانیر .

" عده‌ای از زندانیان سیاسی
۵۸/۹/۹

ارتجاع شیوه‌های سرکوب "ساواک" را بازسازی میکنند

درشت‌رفراندم قانون اساسی دستخاست "خبرگان". ارتجاع از یکطرف تمام امکانات تبلیغاتی خود را بسیج کرده بود تا با حمله و فریب مردم و با استفاده از آکا هی و توهم آنها آرا، بیشتر جمع آوری کند و از طرف دیگر گشتی های خود را در اتومبیل‌های با چراغهای خاموش و در دسته‌های چهار نفره در سطح شهر روانه کرده تا به دستگیری انقلابیونی بپردازد زنده که برای آگاه کردن مردم از نه‌نوی واقعی قانون اساسی اقدام به بحث اعلامیه می‌کردند. یکی از این اتومبیل‌های گشتی، دانشجویی را که در حال بحث اعلامیه تحریم رفتارند "سوده دستگیر نموده و به کمیته (ب) ... می‌برد. (بی شک این سؤال بزدهن بسیاری سکینی میکند، که

اگر قانون اساسی مذکور، مترقی و انقلابی است و مردم از سر آگاهی و با چشم‌پازیه آن رای دادند، پس چرا علیه گروهها و سازمانها شکه نسبت به محتوای ارتجاعی آن افتنا گری می‌کردند، آنهمه سمیاتی شد؟ و بهیچ گروه و سازمان انقلابی و حتی لیبرال امکان داده نشد تا با مردم سخن گویند! از آنجا که ارتجاع خودش خوب می‌دانست چه معجونی را دارا در بخورد مردم میدهد، کلیدها مگا - ناشر را بسیج کرد تا صدای انقلابیون بگوش کسی نرسد). در کمیته یک آخوند و چند لیس بی با سدار دور رفیق را گرفته و از او سؤالهای زیادی می‌کنند. صحبت آنها نزدیک به ۲ ساعت طول می‌کشد، در ضمن صحبت به رفیق گهپه می‌شود، بقیه در صفحه ۱۵

گرمای باد دوازدهمین سالگرد تأسیس جبهه، خلق برای آزادی فلسطین

پیام تبریک سازمان به رفیق زرژ حش دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین

رفیق زرژ حش دبیر کل جبهه، خلق برای آزادی فلسطین!
رفقا، اعضای دفتر سیاسی جبهه!
۱۳ دسامبر دوازدهمین سالگرد تأسیس جبهه خلق برای آزادی فلسطین راه شما و به هم اعضا و یکارگران جبهه و کلیه نیروهای انقلابی فلسطینی و عرب تبریک می‌گوئیم.
خلق های قهرمان ایران و فلسطین سالیان دراز است که همدوش یکدیگر در سنگر مبارزه ضد امپریالیستی - فدمه‌بویستی و ضد ارتجاعی می‌جنگند و پیوند مبارزه جویا به بین خلق - های ما و شما طی این نبرد سرنوشت ساز هر دم استوارتر شده است.

خلفهای ما سرانجام رژیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم شاه را سرنگون کردند و با این پیروزی خودگام مهمی در راه طولانی و دشوار پیروزی خلفهای منطقه علیه امپریالیسم بر - دانشند و امروز همچنان برای خنتی کسردن توطئه‌هایی که جهت نطف انقلاب و متوقف کردن آن از سوی امپریالیسم و ارتجاع داخلی بکار میروده مبارزه همه جانبه خود ادامه می‌دهند.

رفقا، همیمانان راستین خلق فلسطین که همانا نیروهای مترقی و رجمکنان ایران هستند، ضمن تأکید نقش فعال و موثر نیروهای جب و انقلابی فلسطینی، ضمن تأکید مواضع سیاسی و انقلابی بی‌گسرتما در ادامه نبرد رهایی بخش خلق تا آزادی سراسر فلسطین، ضمن فدراسی از حمایتی که نسبت به انقلاب دمکراتیک و صدا میریالیستی ایران اسرارز داشته‌اید، اعلام می‌کنند که برای هرگونه حمایت عملی از انقلاب فلسطین و دیگر خلفهای عرب و جهان آماده‌اند.

فرصت را مغتنم نمرده برای جبهه خلق برای آزادی فلسطین و دیگر سازمانهای انقلابی فلسطینی پیروزی نهائی، آزادی فلسطین و نابودی امپریالیسم و ارتجاع در سراسر منطقه را آرزو می‌کنیم.
با تقدیم درودهای انقلابی " سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" ۱۰ دسامبر ۷۹

بکمال ازانعامت تفنگگران دلبر جنوب میگردد:

کارگر: ستون فقرات انقلاب

در ادامه اعتصابات سیاسی و فراگیری که در سال گذشته توسط کارگران و دیگر زحمکنان موقوف بسوی ورژیم وابسته به امپریالیسم شاه خاش را با همه قدر قدرتها و با همه حمایتی که از سوی امپریالیسم آمریکا میشد، سزانودر آورد، مرحله دوم اعتصابات تفنگران در آذرماه شکوه و ویژگی خاص دارد. طبقه کارگر و پیشاپیش آنان تفنگران جنوب کفه توازن نیروهای انقلاب و صد انقلاب را بسف انقلاب سنگین تر کرد.



هموطنان مبارز! رفقای گرمایی!
سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که می‌توانید بسف دست ما برسانید

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر